نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

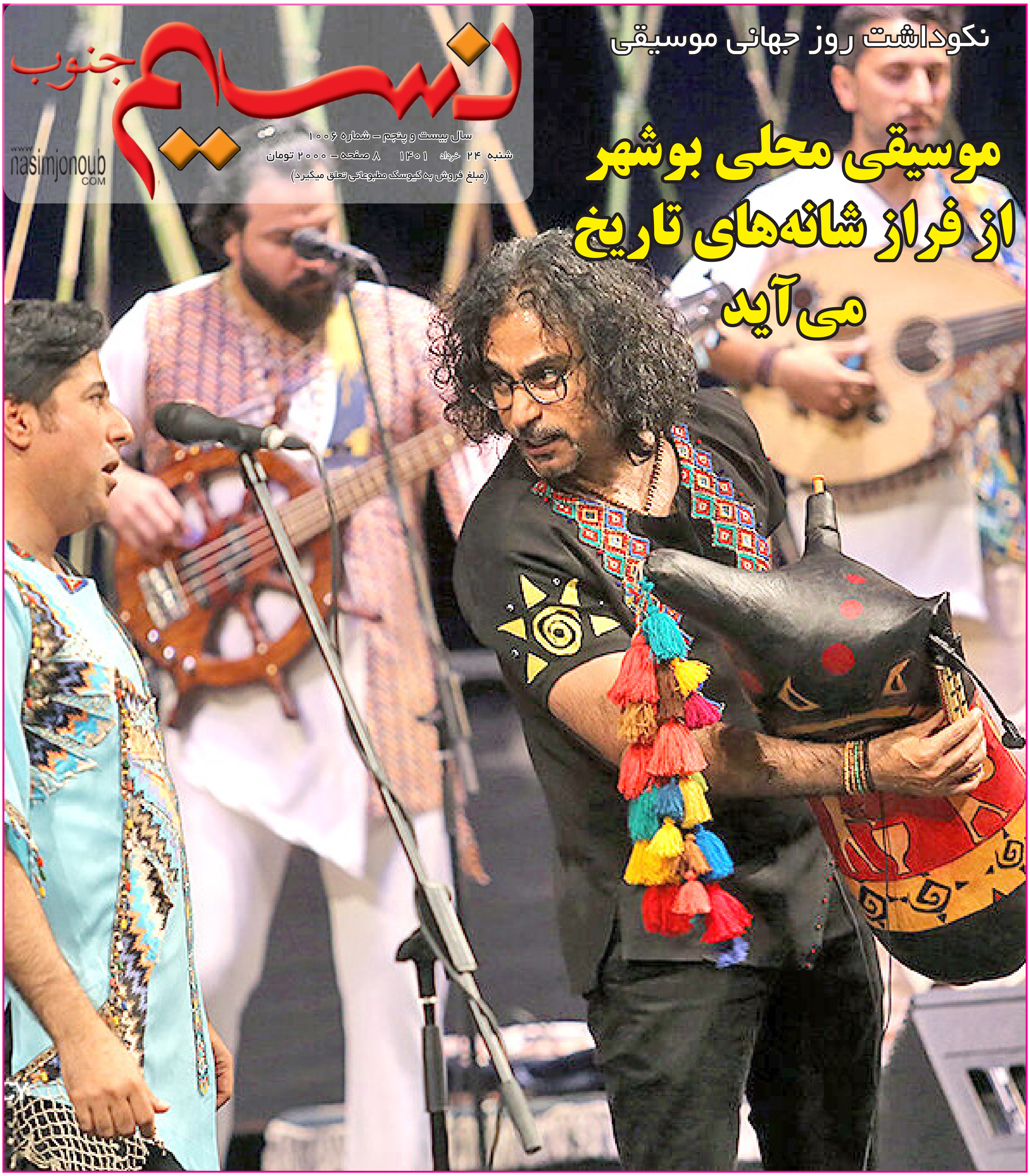
سال بیست و پنجم – شماره ۱۰۰۶

شنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۱ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان

(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

نکوداشت روز جهانی موسیقی

موسیقی محلی بوشهر از فراز شانه‌های تاریخ می‌آید



شرایط سخت؛ با لجام‌گسیختگی در قیمت گذاری و عدم نظارت تأثیر گذار



علیشاه طارمی مربی بوشهر تیم ملی فوتبال هفت نفره ایران، نائب قهرمان جهان:

اگر حمایت مهدی طارمی و دوستان ملی پوشش نبود، اعزامی هم در کار نبود



آلودگی عسلویه باید اولویت نخست مجمع سلامت استان بوشهر باشد

رئیس دبیرخانه سلامت و امنیت غذایی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: برطرف کردن مساله آلودگی عسلویه باید در مجمع سلامت این استان به‌عنوان اولویت اول مطرح شود.

به گزارش ایرنا، روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر به نقل از دکتر عیسی صفوی در مجمع سلامت شهرستان عسلویه با موضوع «عسلویه؛ آلایندگی، سلامت و محیطزیست» افزود: در مجمع سلامت استان بوشهر همه فرمانداران ۱۰ شهرستان در کنار استاندار به‌عنوان رئیس مجمع سلامت حضور دارند و مسائل مطرح‌شده در مجمع سلامت شهرستان‌ها عسلویه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وی مدیریت جهادی (اضطراری و اقتضایی) را لازمه حل مشکل دانست و افزود: پنج سال پس از ضرورت داشتن پیوست سلامت حوزه صنعت، دبیرخانه تخصصی پایش آلاینده‌های عسلویه از سوی دانشگاه علوم پزشکی در استان بوشهر تشکیل شد.

صفوی افزود: با بررسی‌های به‌عمل‌آمده از سامانه «سیب» دانشگاه علوم پزشکی و دیتاسنترهای سازمان‌های مدل تأمین اجتماعی، هیچ گزارشی مبنی بر اینکه آلودگی عسلویه پیامد معناداری (هر بیماری ازجمله سرطان تفاوت قابل توجه‌ای در سیر صعودی به نسبت جمعیت و شاخص بهداشت جهانی داشته باشد) در افزایش بیماری‌ها داشته باشد، مشاهده نشده است.

وی اظهار کرد: تهدیدکننده‌های سلامت ۷۲ مورد هستند که هشت تهدیدکننده در اولویت هستند و آلودگی اولین تهدیدکننده سلامت شهروندان عسلویه به شمار می‌رود.

معرفی یک فعالیت تفریحی - ورزشی تابستانه

شناوری با فین و اشنوکر در آب‌های ساحلی

محمدعلی بختیاری



نزدیک بودن به ساحل دریا و بهره‌مندی از فرصت‌ها و نعمت‌هایی که دریا در اختیار انسان می‌گذارد از امتیازهایی است که ما مردم بوشهر از آن برخورداریم. با این حال متأسفانه ما ایرانیان، به ویژه ما بوشهری‌ها، بنا به دلایل فرهنگی و شیوه مرسوم زندگی، چنانکه باید و شاید از دریا بهره نمی‌بریم. همانطور که می‌دانیم امروزه سواحل دریا یکی از مهمترین تفریحگاه‌های مردم جهان است. از سواحل هاوایی در غربی‌ترین نقطه دنیا گرفته تا سواحل تایلند و مالزی در شرقی‌ترین نقاط دنیا همه جا ساحل و دریا برای استراحت و تمدد اعصاب و دیدن چشم انداز بی کران دریا و همچنین برای شنا و ورزش‌های آبی مورد استفاده مردمان جهان است. ورزش‌هایی مانند راندن انواع قایق‌های موتوری و بادبانی، موج سواری، اسکی روی آب، تخته سواری، ماهیگیری، شنا، غواصی و غیره. مدتی پیش نگارنده با تعدادی از جوانان خانواده برای آموختن غواصی به یکی از مربیان این رشته مراجعه کردیم و دوره مقدماتی را به پایان رساندیم. هر چند غواصی کردن ما به دلیل گران بودن تجهیزات، در حد جلسات آموزشی متوقف ماند؛ ولی خوشبختانه باعث شد که ما با ورزش بسیار مفرح و ایمن شناوری با «فین» و «اشنوکر» آشنا شویم. فین نام پای‌افزار مخصوص غواصان است که به شکل پای قورباغه ساخته شده و حرکت در آب را آسان‌تر و سریع‌تر می کند. اشنوکر (Snorkel) هم نام لوله کوتاهی است که یک سر آن در دهان شناگر و سر دیگر آن بالای آب قرار می گیرد.

در این ورزش، فرد بدون اینکه نیاز به مهارت چندانی در شنا داشته باشد می‌تواند با کمک سه وسیله ماسک، فین و اشنوکر به راحتی بر روی آب شناور بماند و حرکت کند و دنیای زیر آب را تماشا نماید. از آنجا که فرد شناور ماسک به چشم دارد، آب دریا با چشمانش تماس پیدا نمی کند و او می‌تواند به راحتی ماهیان کوچک و بزرگ و سایر موجودات دریایی را از نزدیک ببیند. با این وسایل فرد می‌تواند به زیر آب «غوص» کند و به آسانی دوباره به سطح آب برگردد.

دنیای زیر آب از عمق کمتر از یک متر آغاز می‌شود؛ گیاهان دریایی، حلزون‌ها، خرچنگ‌ها، خارپشت‌ها و ستاره‌های دریایی، ماهیان کوچک و بزرگ و رنگارنگ و مرجان‌ها در عمق‌هایی که پای فرد به زمین می‌رسد نیز وجود دارند و قابل دیدن هستند. به همین خاطر افرادی که با این وسایل به درون آب می‌روند می‌توانند تا زمانی که مهارت و تجربه کافی بدست نیاورده‌اند در عمق‌های کم و بی‌خطر شنا کنند.

در غواصی با کپسول، غواص می‌تواند تا دهها متر به زیر آب برود و از دیدن مناظر و آفریده‌های خدا در اعماق دریا لذت ببرد، ولی همانطور که گفته شد وسایل غواصی گران هستند و کسب مهارت در این رشته هم نیاز به آموزش‌های دقیق و فراوان دارد، با اینحال خرید وسایل شناوری روی سطح (غواصی با اشنوکر) هزینه چندانی ندارد و همه اعضای خانواده نیز می‌توانند در فصل تابستان به این ورزش و تفریح ساحلی بپردازند.

ناگفته پیداست هر فردی که با چنین امکاناتی به دریا می‌رود باید به حفظ محیط زیست دریا پایبند باشد و از آسیب رساندن به اکوسیستم زیر آب بپرهیزد. خشکی و دریا هر دو متعلق به همه انسان‌ها و فرزندان ما و نسل‌های آینده است و تخریب آن کار عاقلانه‌ای نیست.

علاوه بر آن برخی از موجودات دریایی نیش‌های زهرآگین دارند و دست زدن به آنها می‌تواند خطرناک باشد. با رعایت نکات ایمنی و مقررات زیست‌محیطی، همشهریان گرامی می‌توانند برای استفاده هر چه بیشتر از دریا و ساحل و تابستان، این ورزش را نیز به همراه خانواده و دوستان خود تجربه کنند.

هماهنگی و همفکری در تربیت فرزندان

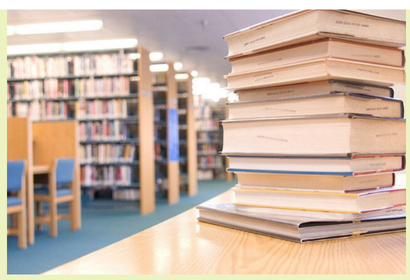


عبدالصالح خزائی (دانش آموخته دکتری روانشناسی)

در نظام پرورش و تربیت خانواده و یا سبک فرزندپروری می‌بایست میان عاملان تربیتی و پرورشی مانند والدین همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد. در بررسی مراجعین خانوادگی و تربیتی به مراکز مشاوره شاهد عدم هماهنگی و همکاری میان عاملان تربیتی با توجه به ناسازگاری و عدم سنخیت فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی والدین هستیم که آن می‌تواند به صورت کلی بر کارایی بنیان مقدس خانواده تاثیر منفی داشته باشد و به صورت خاص باعث ایجاد تعارض، چندگانگی و هیجانات منفی مانند اضطراب و استرس در فرزندان و تعلیم دیده گان شود و در نهایت بر بهداشت روان آنها تاثیر مخرب و در بلند مدت منجر به آسیب های شدید شود. از این روز برای تربیت فرزندان سالم و با نشاط ضرورت دارد میان والدین و در کل اولیای تربیتی و پرورشی وحدت و هماهنگی وجود داشته باشد.

اگر این امر مهم یعنی هماهنگی بین عاملان تربیتی وجود داشته باشد، فرزند از ثبات هیجانی و رفتاری، احساس امنیت روانی و شخصیت سالم و بهنجاری برخوردار می‌شود. در مقابل چنانچه این اصل مهم تربیتی در خانواده یا هر محیط تربیتی و پرورشی مانند فضاهای آموزشی محقق نگردد، پیامدهای جبران ناپذیری گریبانگیر آنها خواهد شد؛ در نتیجه فرزندان به ناپایداری، دوگانگی شخصیتی، ضعف در حل مساله و تصمیم گیری، اعتماد و عزت نفس پایین و از نظر اجتماعی و فرهنگی آسیب پذیر می گردد. والدین و متولیان تربیتی و پرورشی نباید در مورد سبک فرزندپروری سلیقه‌ای و جزیره‌ای عمل کنند و فکر کنند روش تربیتی آنها نسبت به دیگری برتری دارد و به خاطر همین موضوع با هم تنش و مشاجرات خانوادگی داشته باشند. واضح و مبرهن است که این عدم هماهنگی و آشفتگی و تنش خانوادگی کانون خانواده و یا محیط آموزشی را به فضای کشاکشهای روانی و عاطفی تبدیل نموده و بیشترین آسیب را به رشد بهنجار فرزندان وارد می کند. بلکه لازم است پدر و مادرها که بیشترین بار تربیتی به دوش آنها می‌باشد در ابتدای زندگی مشترک درباره امور تربیتی و سبک فرزندپروری سالم و رسش فرزندان در دوره‌های متفاوت سنی، مطالعه و با یکدیگر مشورت و همفکری داشته باشند، در فرصتی مناسب و بدون حضور فرزندان اختلاف نظرهایشان را مطرح کنند و به تفاهم، درک و فهم مشترکی برسند و آنگاه در خصوص نحوه برخورد صحیح با فرزندان تصمیم بگیرند.

با بررسی آسیب‌های اجتماعی و تحلیل جرایم در مراکز مشاوره و مددکاری طی مصاحبه بالینی و روانشناختی با مجرمین خاص و یا در فرایند خانواده درمانی با بررسی مشکلات و تعارضات خانوادگی مراجعین به وفور به عدم وحدت و هماهنگی بین والدین در امر تعلیم و تربیت بر می‌خوریم. این عدم وحدت و هماهنگی بر چگونگی ارتباط آنها با فرزندشان آسیب وارد می کند. در این شرایط که تعادل و سهم والدین در خصوص تربیت فرزندان بهم می‌خورد و یک جانبه مسئولیت و بار تربیتی بر دوش یکی از والدین می افتد، فرزند دچار چند گانگی و تعارض شخصیتی می‌شود و نسبت به یکی از والدین حساس، احساس خصومت و کینه توزی می‌نماید و در نتیجه یکی از والدین فردی ناجی و دوست داشتنی و فرد دیگر منفور و دشمن قلمداد می‌شود. و این می‌تواند به کجروی و انحراف فرزندان در خانواده و در آینده در جامعه دامن زند.



کتابخانه مرکزی؛ ضرورتی بر زمین مانده برای بوشهر

نداشته‌های استان بوشهر در حوزه فرهنگ، مانند بسیاری دیگر از بخش‌ها به روشنی خودنمایی می‌کند؛ نمونه‌اش نبود«کتابخانه مرکزی» در این منطقه است و بوشهر از معدود استان‌هایی به شمار می آید که در آن هنوز اقدامی عملی انجام نشده است.

به گزارش خبرنگار ایرنا، ایجاد کتابخانه مرکزی در همه استان‌ها، به سبب اهمیتی که دارد و ۵۰ خدمت کتابخانه‌ای که یکجا ارائه می‌کند، در قانون برنامه چهارم و همینطور پنجم و ششم توسعه قرار گرفت؛در ادامه، این زیر ساخت فرهنگی در ۱۲ استان کشور احداث و بهره‌برداری شد و در بسیاری دیگر ساخت آن آغاز شد، اما انتظار بوشهری‌ها برای داشتن آن، هنوز در همان نهادن خشت نخست جا مانده است.

سرانه کتابخانه‌ای استان بوشهر تا رسیدن به مطلوب برنامه ششم توسعه ۶۴ درصد فاصله دارد، در حالی که باید تعداد کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی این استان بیش از یک میلیون و هفتصد نسخه باشد، امروز حدود یک میلیون و ۶۱ هزار نسخه است، به دلیل کمبود فضا، مرکز استان در میان شهرستان‌های دهگانه رتبه نهم منابع کتابخانه‌ای را دارد، مجموعه این کمبودها در همراهی با بسیاری از دلایل دیگر- سرانه مطالعه بوشهری‌ها را به ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه در ماه رسانده تا در قعر رتبه‌بندی گزارش مرکز آمار ایران جای گیرد.

این دلایل یک از هزاری است که ایجاد کتابخانه مرکزی را در این استان ضروری ساخته است تا مگر به کمک ۷ هزار متری مربعی که به سرانه فضای کتابخانه‌ای استان می‌افزاید، خدمت‌های متعددی که به صورت متمرکز ارائه می کند و تجهیزات و منابع ارزشمندی که در اختیار مردم می‌گذارد، عدالت فرهنگی در بوشهر به تحقق نزدیک شود.

جمعیت بیش از ۳۱۰ هزار نفری شهرستان بوشهر بیش از همه برای بهره‌بردن از سرانه‌های کتاب و کتابخوانی در مضیقه است چرا که تنها کتابخانه استاندارد شهر از جمعیت اشباع شده و سه کتابخانه دیگر هم وضعیت مناسبی برای ارائه همه خدمات کتابخانه‌ای ندارند.

آنطور که رئیس اداره کتابخانه‌های عمومی شهرستان بوشهر در گفت‌وگو با ایرنا شرح داد: مرکز بندر بوشهر به شدت کمبود کتابخانه‌ای مناسب را احساس می کند، «مبصری» کتابخانه اهدایی است که بنای آن قابلیت ارائه بسیاری از خدمات را ندارد، «شهدای باغ زهرا» تنها ۱۸۵ متر مربع و تشکیل شده از تنها یک سالن است و سالن مطالعه «مصلحیان» فرسوده و از چرخه استفاده خارج شده است و نیازمند مرمت و تعمیر است.

زینب جعفری می گوید: تنها کتابخانه استاندارد بوشهر «خلیج فارس» واقع در محله دواس است که ۷۰ تا ۸۰ نفر ظرفیت سالن مطالعه آن تکمیل شده است، بخش کودک و نوجوانان آن به دلیل استقبال بسیار خوب، شلوغ است و برنامه‌های فرهنگی و ترویجی متعددی در این کتابخانه برگزار می‌شود.

در این شرایط تامین فضایی برای مطالعه به ویژه از سوی دانشجویان و داوطلبان کنکور، مطالبه بسیاری از بوشهری‌هاست، مطالبه‌ای که جعفری معتقد است برای تامین آن وظیفه دارند.

- یکبار سال ۸۷ رییس سازمان مسکن و شهرسازی استان بوشهر وقت بوشهر گفت که سه برابر زیر بنای مورد نظر برای ایجاد این کتابخانه زمین اختصاص می‌یابد و یکبار سال ۹۴ مدیرکل کتابخانه‌های عمومی وقت استان از تخصیص زمین-البته نه به این میزان- خبر داد تا با تامین اعتبارات لازم، ساخت این کتابخانه آغاز شود اما از آن زمان سکوتی سنگین بر اجرای این پروژه مهم فرهنگی حاکم شد.

رفع این محرومیت فرهنگی بوشهر از مصوبه‌های سفر رئیس جمهوری به بوشهر در سال ۹۰ هم بوده است و پیگیری‌هایی هم صورت گرفته اما به دلیل تامین اعتبار نشدن مسکوت مانده است.

امروز مدیرکل کتابخانه‌های عمومی استان بوشهر به خبرنگار ایرنا می گوید: سال گذشته در جریان سفر رئیس جمهور و هیات دولت به استان نامه نگاری‌هایی در این ارتباط انجام شد که بی‌نتیجه ماند اما حالا نکته امیدوار کننده اینکه استاندار بوشهر پیگیر است.

استاندار بوشهر در جلسه اسفندماه شورای فرهنگ عمومی استان که نماینده ولی فقیه در بوشهر، حجت الاسلام سعید رضا عاملی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی و امیرحسین آزادی وفا، مشاور دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور هم در آن حضور داشتند گفت که وجود یک باب کتابخانه مرکزی در بوشهر لازم و ضروری است و این مهم را با مشارکت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور دنبال خواهیم کرد.

بررسی فیلم کودا

در ستایش زندگی

دکتر محمدجعفر ایزدپناه



اول- یکسری از فیلم ها هستند که از آنها به عنوان فیلم های «حال خوب کن» اسم برده می شود . البته در دسته بندی های رسمی ژانرهای سینمایی مثل درام و علمی تخیلی و... قرار نمی گیرند، یعنی رسما ژانری به این نام وجود ندارد ولی دیدنشان به شدت حال آدم را خوب می کنند. بدون نیاز به مصرف دارو یا هر چیز دیگر.

زمانی به مطب دکتر بهنام اوحدی مراجعه کردم برای مشاوره. دکتر اوحدی یک فیلم تراپیست حرفه ای و علاقمند به سینما است و همیشه لیستی از فیلم ها و کتابهایی که برای درمان مراجعه کننده لازم است را پیشنهاد می کند و از منظر روانشناسی فیلم ها را تحلیل می کند و اعتقاد دارد پیامی که به درستی توسط هنر سینما به مخاطب عرضه میشود از مشاوره روانشناسی هم جلوتر است، چون در مشاوره مخاطب فقط با حس شنواییش پیام را دریافت می کنند ولی در سینما با حس شنوایی و بینایی همراه با موسیقی و رنگ و تصویر پیام را دریافت می کند. برای همین پیام فیلم خوب بیشتر به دل می‌نشیند و ماندگارتر است. برای همین است که اگر از فیلمی لذت ببریم در مقایسه با کتابی که خوانده ایم راحت تر آن را بیاد می آوریم.

در میان فیلم های سال ۲۰۲۱، فیلم «کودا» بهترین بود. در شرایط اجتماعی پر تنش امروز که تلخی و ناامیدی روح ایرانیان را فرا گرفته، بدون آن که به لودگی بیافتد و بخواهد به هر قیمتی از بیننده خنده بگیرد بیننده را سر حال می آورد. فیلمی شاد و موزیکال که از بیننده همزمان اشک و لبخند را می گیرد. با متانت پیامش را منتقل می کند. پیامی در ستایش جایگاه خانواده و ارتباطات عمیق انسانی که اگر از زبان یک سخنران بشنویم خسته کننده بنظر می آید ولی اینجا چون از دل بر می‌آید لاجرم بر دل می‌نشیند.



دوم - در سال ۲۰۱۴ فیلم فرانسوی بنام «خانواده بلیر» ساخته می‌شود. این فیلم درباره خانواده ناشنوایی است. تنها دختر خانواده شنوایی دارد و به خوانندگی علاقه دارد. این فیلم جوایزی هم می گیرد ولی به دلیل تصویر رقت انگیزی که از ناشنوایان ارایه می داد از طرف ناشنوایان مورد انتقاد قرار می گیرد.

سوم - coda مخفف (فرزند والدین ناشنوا) Children of deaf adult است

چهارم - حالا در سال ۲۰۲۱ خانم سیان هدر در میانسالی فیلم «خانواده بلیر» را بازسازی می کند و از یک فیلم متوسط فیلمی عالی تهیه می کند و بیننده را به زندگی ناشنوایان نزدیک می‌کند. در لحظاتی از فیلم مثل سکانس کنسرت دختر خانواده با قطع صدای فیلم سکوتی مرگبار بر فیلم حاکم می شود و خانواده با نگاه به چهره تماشاچیان می خواهند به هنر دخترشان پی ببرند. تحمل این سکوت حتی برای چند دقیقه برای بیننده مشکل است و به ما می فهماند که ناشنوا بودن چقدر سخت است و چگونه باعث منزوی شدن و عدم ارتباط با جامعه می‌شود.

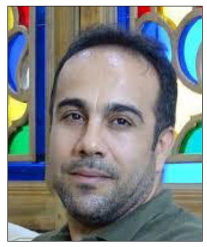
این که بتوان از سوژه معلولیت فیلمی امیدوار کننده و انرژی بخش ساخت، نشاندهنده توانایی کارگردان است. فیلم می توانست با نشان دادن مشکلات زندگی ناشنوایان، ترحم بیننده را جلب کند ولی اینجا با خانواده ای روبرو هستیم که به نوعی یاغی هستند حتی الهام بخش مردم عادی هم می شوند.

تم اصلی داستان تضاد بین صدا و سکوت است، دختر خانواده ای ناشنوا دارای استعدادی منحصر به فرد در خوانندگی است ولی والدین نمی‌توانند ارزش هنر دخترشان را درک کنند. خانواده بخاطر ضعفی که دارند نمی‌توانند با مردم عادی ارتباط داشته باشند و جمع کوچک چهار نفره دور خود پیله ای درست می کنند و در این چهارچوب زندگی گرمی با هم دارند. زمانی که دختر تصمیم می گیرد دنبال رویایش برود، مادر خانواده در هراس است که دختر کانون خانواده را ترک کند و پل ارتباطی با جامعه را از دست بدهد. پسر خانواده از نسل جدید است و تمایل دارد روی پای خودش بایستد و وابستگیش را به خواهر شنوا قطع کند. پدر خانواده در تلاش است جمع کوچک خانواده را به هر طریقی شده حفظ کند، ولی در ادامه همگی سعی می کنند از دایره امن خودشان خارج شوند و در عین حفظ اتحاد خانواده شخصیت مستقل خود را حفظ کنند و رهبری همکارانشان را نیز به عهده بگیرند. پدر پیر خانواده یک تنه جلو دلال های ماهی می‌ایستد و لیدر سایر ماهیگیران می شود. دختر خانواده هم رویایش را حفظ می کنند.

پنج - بدون تردید کودا جزو ده فیلم برتر سال ۲۰۲۱ است که از زمان شروع اکران موفق شد جوایز را درو کند. در مراسم اسکار ۳ جایزه مهم «بهترین فیلمنامه اقتباسی»، «بهترین فیلم» و «بهترین بازیگر نقش مکمل مرد» را از آن خود کرد. همین طور دو جایزه بفتا را برای «فیلمنامه» و «بهترین بازیگر» بدست آورد. بازیگران ناشنوا توانستند برای سایر ناشنوایان الگوی خوبی بشوند و به آنها اعتماد بنفس حضور در صحنه های هنری را بدهند.

سایکولوژی ملی

عبدالخالق ماجدی



محتوای صفحات کتابهایی که این چند هفته خواندم و می خوانم دقیقا قرینه صفحات و تیتر اخبار حوادث در شبکه های خبری همین ایام در فلات پهناوری بنام «ایران زمین» شده است. بایدم همینطور باشد! واقعیت های بیرونی و درون انسان (ذهن انسان) رابطه متقابلی با هم دارند. براساس واقعیت های بیرونی، ساختار درونی و ذهن انسان شکل می گیرد و بر اساس همین ساختار درونی، انسان با کنش ها و واکنشهایش بر محیط و دنیای خود اثر می گذارد و آن را به نوعی بر اساس ذهنیات خود می سازد. در روزهای شاد ذهنی و روانی هرچه می بینیم و می شنویم شیرینی است ولی در روزهای ناشاد هرآن چه بر پرده می گذرد تلخی است و مرارت و یاس و در میانگی این دو هم که یا خسوف است و یا کسوف.

- این روزها برپایه آموزه های بنیادین و فلسفی با روح اسپینوزا در حال یادگیری از آراء آقای دونالد وینیکات و خانم ملانی کلاین، دو روانکاو معروف فرویدی هستم. اینکه ساختار روانی نوزاد از بدو تولد «با یکی بودن» با پستان مادر چگونه شکل می گیرد و به مرور زمان با شکل گیری این سیستم و ساختار پیچیده روانی به صورت مثقال مثقال، واحدی بنام مادر- نوزاد به دو واحد مستقل به نام مادر و نوزاد تبدیل می شود.

در ماه های اول تولد، نوزاد نه خودش را می شناسد و نه مادر را ولی به مرور زمان در مراحل اولیه مادر را به عنوان یک موضوع مستقل به رسمیت می شناسد و بر اساس کیفیت پاسخ دهی مادر به گرسنگی او از طریق پستان، تجارب خوب و بد او به صورت فانتزی و خیالی ساخته می شوند. بتدریج که با محیط پیرامونی خودش آشنا می شود بصورت واقعی واقعیت های زندگی اش را می چشد و با استفاده از مکانیسم های دفاعی «درون فکنی» تجارب خوب و «برون فکنی» تجارب بد، تجارب فانتزی و خیالی اولیه را بصورت تجارب واقعی در درون «خود» تثبیت و منسجم می کند.

در موضع بعدی در ادامه، که نوزاد با حضور و نظارت مادر، «خود»ش را بعنوان یک واحد مستقل می سازد با استفاده از مکانیسم های دفاعی بالغانه تری به مدیریت تجارب خوب و بد آتی خود می پردازد. شروع به نمادسازی تجارب خودش می کند و با آنالیز تجاربش قدرت «حل و فصل» رویدادهای زندگی و عبور از بحرانها و موانع پیدا می کند. نوزاد کم کم یاد می گیرد که باید غریزه های ذاتی و سائقه هایش را والایش کند و از بعضی از آنها چشم پوشی کند و یا ارضا آنها را به تعویق بیندازد.

در روزهای دشوار زندگی این ساختار به تناسب شدت سختی ها و ناگواریها باز بصورت قطعه قطعه، تکه پاره های خود را از دست می دهد و دچار تزلزل و گسیختگی می شود و با از دست دادن انسجام درونی بسوی فروپاشی می رود و در شرایط وخیم و تلنبار حوادث ناخوشایند به فروپاشی می رسد و یا اینکه با مساعدتر شدن اوضاع این سیستم روانی پیچیده، بتدریج با «حل و فصل» تعارضات شروع به ترمیم خود می کند و ققنوس وار از خاکستر خود بلند می شود و به تناسب حل و فصل تعارضات و چالشها به انسجام کاملی یا نیم بندی می رسد.

با زیاد شدن تجارب بد نسبت به تجارب خوب، باز به مرور زمان با یکی شدن و غرق شدن در موضوعات و اتفاقات و رویدادها به عقب بر می گردد و امکان پیدا کردن و نجات «خودش» را ندارد و تعارضات قبلی حل و فصل نشده از نو سر باز می کنند ولی در روزهای روشن، فاصله اش با موضوعات و حوادث زندگی حفظ می کند و حل و فصل مناسب چالش ها بر «خود» و زندگی، تسلط نسبی خوبی دارد.

- با فرو ریختن ساختمان متروپل، مردم آبادان که به صورت کامل هنوز از آوار و خرابی هشت سال جنگ برنخاسته بودند و بخش عمده ای از تعارضات و چالش های باقیمانده از دوران جنگ هنوز لاینحل باقیمانده بودند دوباره به تصاویر تلخ و آواره گی جنگ و سینما رکس برگشتند و انسجام و یکپارچی ساختار روانی نیم بند خود را از دست دادند و با ساختمان متروپل در حادثه دفن شدند و حالا حالاها باید زیر آوارها درجستجوی «خود» باشند.

- رویدادهای تلخی مثل قطار تهران- یزد و سرقت از صندوق امانات بانک ملی شعبه دانشگاه تهران و دیگر حوادث بد زنجیروار این روزها، در صورت حل و فصل نشدن قطعا ساختار روانی ملی را دچار فروپاشی می کنند و در این شرایط باید نگران انسجام و یکپارچگی ساختار روانی ملی و یکپارچگی سرزمینی بود چونکه تاریخ و قوانین طبیعت ثابت کرده اند که در زمان تزلزل و عدم ثبات، جدا شدن پاره تکه هایی از یک ساختار و سیستم حتمی خواهد بود و چیزی از نمادهای ساخته شده تاریخی یک سرزمین باقی نمی ماند.

مهاجرت انبوه و دلخورانه نخبگان و متخصصان بعنوان بارزترین نماد سرزمینی را می توان ذیل قوانین سایکولوژی ساختار ملی یعنی جدا شدن تکه پاره های سرزمینی در اثر لاینحل ماندن چالش ها و مشکلات سرزمینی تاویل و تعبیر کرد. امید است که باز ایران و آبادان چون دماوند استوار و راست قامت بمانند.

زندگی آگاهانه

موانع درونی موفقیت: ناامیدی

حسین زیرراهی - مدرس مهارتهای توسعه فردی



فرض کنید در جاده‌ای خاکی در بیابان در حال رانندگی هستید و ساعتها از نزدیک‌ترین آبادی فاصله دارید. ماشین‌تان خراب می‌شود، شما هم چندان از مکانیک ماشین سر در نمی‌آورید. ضمنا احتمال این که کسی از آن راه بگذرد هم خیلی کم است. شب هم نزدیک است و زمان زیادی برای استفاده از روشنی روز در اختیار ندارید. فکر می‌کنید در چنین شرایطی چقدر احتمال نجات خود از آن شرایط را می‌دهید. خیلی کم. اینجا احساس ناامیدی کاملا غالب است. ممکن است خیلی تلاش کنید و به خود دلداری دهید که حتما راهی برای نجات وجود دارد ولی صدایی در مغزتان می‌گوید هیچ کدام از راه‌حل‌ها جواب نمی‌دهد.

همه ما این را می‌دانیم که در نومیدی بسی امید است و پایان شب سیه سفید است، ولی ما اغلب این را در حرف می‌دانیم نه در عمل. معمولا زمانی که مشکل خاصی نداریم یا اوضاع‌مان خوب است به آن باور داریم. وقتی مانند مثال بالا در مخمصه‌ای گیر می‌کنیم یا کارهایمان نتیجه نمی‌دهد خیلی زود ناامید می‌شویم. واقعا چرا ما این قدر زود ناامید می‌شویم؟

ریشه ناامیدی هم مانند چهار مانع دیگر یعنی تنبلی، ترس و عجله درونی و در مغز ما است. در مقاله قبل که در مورد عجله و نداشتن صبر بود گفتیم به دلیل اینکه نیاکان عصر حجری ما نتایج مثبت و منفی کارهایشان در یک روز مشخص می‌شده است چیزی به نام آینده برای خود متصور نبوده‌اند. یعنی نه کاری انجام می‌داده‌اند که در آینده جواب دهد و نه قرار بوده است مشکل امروزشان در آینده حل شود. مثلا غذایی که به دست می آورده‌اند را همان روز می‌خورده‌اند. خطری که جان آنها را تهدید می‌کرده است را هم باید همان روز دفع می‌کرده‌اند. مغز آنها و به تبع آن مغز ما به صورت طبیعی و آموزش ندیده توان این را ندارد که آینده را بصورت درست تصور کند. بنابراین نه راحتی های آینده و نه مشکلات آینده را خیلی شفاف نمی‌بیند. بیشتر چیزی را می‌بیند که در حال حاضر دارد اتفاق می‌افتد.

مثلا کسی که از کار اخراج شده است آن چه می‌بیند این است که بیکار است و پولی برای گذران زندگی ندارد. یا بازاریابی که به صد نفر مراجعه می‌کند و یک فروش هم ندارد بجای اینکه فکر کند این آدمها در این زمان نیازی به جنس او ندارند برایش راحت‌تر است که فکر کند این جنس قابل فروش نیست. دلیل این موضوع این است که مغز ما دنیا را بصورت خطی می‌بیند. در حالیکه دنیا سیستیمی است. شما امروز به کسی لطفی می‌کنید چند سال دیگر که انتظارش را ندارید چند برابر آنرا دریافت می‌کنید.

یک دلیل دیگر ناامیدی این است که ما مشکلات آینده را هم درست نمی‌توانیم تخمین بزنیم. فکر می‌کنیم موفقیت جاده صافی است که باید از اول تا آخر آن با یک سرعت برویم. در حالیکه مسیر موفقیت بیشتر شبیه بازی مار و پله است. پر از مانع، چاله، بن‌بست و جاهای صعب العبور است. وقتی به ناامیدی‌مان خودآگاه باشیم و بدانیم در شرایط سخت ناامید شدن طبیعی است کمتر در دام آن می‌افتیم و راحت‌تر هم از آن رها می‌شویم.

آموزش موسیقی در مصاحبه با حسام حق پرست، نوازنده، معلّم و پژوهشگر موسیقی:

رقابت ناسالمِ والدین بر سر هنرنمایی فرزندانِ، در روی آوری به موسیقی



– اولین قدم برای فراگیری هنر موسیقی چیست ؟

– استعداد ذاتی و علاقه ی درونی. تمرین و امکانات که شامل معلّم دانا و توانا و ابزار حرفه ای مانند ساز.

– برخی از والدین بدون توجه به نظر فرزندشان، دوست دارند فرزندشان به رشته خاصی از موسیقی بپردازد، نظر شما در این مورد چیست؟

– این یکی از پُر اشتباه ترینِ خواسته های والدین است که در واقعَ با خطای کاربردی و بدون نتیجه مواجه شده و متأسفانه آمار بالایی هم دارد.(همان رقابت ناسالم والدین بر سر هنرنمایی فرزندانِ شان)

– آموزش موسیقی چه مراحلی دارد؟

– مقدماتی– متوسطه– پیشرفته.

– به طور معمول فردی با یک استعداد معمولی، چه مدت باید آموزش ببیند؟

– برای این که بتواند در حد مبتدی بنوازد و بخواند و البته با تمرین روزانه و پیوسته، دو سال نیازمند زمان هست.

– شرایط آموزش موسیقی در بوشهر چگونه است؟

– در حال حاضر بوشهر هم مانند سایر نقاط و استان های کشور با آموزشگاهها و هنرآموزانِ متعدد مواجه شده است.

– علاقمندانِ به موسیقی در آموزش موسیقی به چه نکاتی باید توجه کنند؟

– باید با خودشان واقع گرایانه برخورد کنند! بدین معنا که اگر استعداد و توانایی این رشته را ندارند، بی هیچ معطّلی به سراغ دیگر رشته های هنری و یا ورزشی و هر گونه استعداد و توانایی که در خود سراغ دارند، رفته و به آن بپردازند!

– چگونگی کشف استعداد موسیقیایی در فرزندان توسط والدین چگونه است؟

– طبق تحقیقات و مطالعات بنده، نشانه شناسی هایی مانند میزانِ علاقه و واکنش به فیلم های موسیقی، شنیدن ساز و آواز و یا علاقه و تمایل به دیدار کنسرت ها می تواند به کشف استعدادها کمک کند و راهگشا باشد!

– سخن پایانی؟

من همیشه و بارها گفته ام و می گویم: موسیقی ایرانی (سنّتی و نواحی) بهترین و کم هزینه ترین راه برای ایمن سازی جامعه و آینده ی درخشان فرزندان ایران زمین است.

مصاحبه نسیم جنوب با نوذر سعادت پور هنرمند موسیقی بوشهر:

حال و هوای موسیقی بوشهر بحرانی است



– حال و هوای موسیقی محلی در بوشهر هم اکنون چگونه است؟

– متاسفانه موسیقی بوشهر را به سمت و سویی که می خواستند حرکت دادند و مسیر موسیقی را بردند به آن جایی که خودشان می خواستند و حق اجرا و کنسرت و برنامه هایی که بین هنرمندان موسیقی بوشهر بر روال طبیعی بود دیگر خبری ازشان نیست و شیر فلکه اش دست خودشان بود و هی باز کردند و بنا به محدودیت هایی کرونایی که تموم شده بود و همه جا هم زمان برنامه گذاشتند و بعد از آن دوباره شیر فلکه اش را بستند و متاسفانه موسیقی بوشهر را از استیج ها و جاهای خوبی که قبلا برایش تلاش شده بود همانند فستیوالهای بین المللی و صحنه هایی که تمام هنرمندان بوشهر ایجاد کرده بودند، محروم کردند و شاید بعضی گروه ها از روی ناچاری روی آوردن به کافه ها و اجراها شده کافه ای و در واقع هر چیز کاشته بودیم و بافته بودیم ظاهرا همه نقش بر آب شد و همه سوخت شد. گروه های بین المللی که در فسیتوال های بزرگ اروپایی شرکت می کردند و مقام های بالایی را کسب می کردند و الان شاهد هستیم حتی هنرمندان پیشکسوتمان هم در قهوه خانه ها و کافه ها دارند اجرا می کنند و خبری از مجوز و کنسرت و اجرا نیست.

– کرونا ضربه شدید به فعالیت صحنه و عمومی زد، موسیقی محلی بوشهر از این نظر ضربه دید؟

– موسیقی بوشهر همیشه خنجر بی مهری مسئولین تو سینه اش بوده حالا این کرونا هم که اومد مزید بر علت شد و بچه های موسیقی خیلی ضریه دیدند و حتی بعضی آسیب به زندگی شان زده شد و زندگی ها از هم پاشید و بچه ها وارد بازی سخت و بزرگی شدند که خیلی ها نتوانستند از بحرانی که برایشان به وجود آمد سالم بیرون بیایند و بدتر از آن سخت گیری های که بعد از اتمام دوران کرونا شامل حال شان شد. حالا گروه های موسیقی های دیگر در شهر های خودشان و سطح کشور کمافی السابقه برنامه دارند و کنسرت هایشان را در شهر های مختلف اجرا می کنند اما شاهد هستیم که گروه موسیقی بوشهر متاسفانه هیچ مجوزی به آن ها داده نشد و راهی کافه ها شدند و جایی که اصلا جایگاه هنرمندان بین المللی نیست.

–اصولا وضعیت اقتصادی هنرمندان حرفه ای موسیقی در بوشهر چگونه است؟ و آیا درآمد موسیقی به تنهایی کفاف امور زندگی را می دهد؟

– درهیچ برهه زمانی اصلا هنرمندی در بوشهر و حتی در ایران کفاف زندگی را نمی داده، ولی خوب بعد از این داستان کروناه اوضاع بدتر و وخیم تر شد و خیلی از هنرمندان کناره گیری کردند و خود بنده صنف کاریم را عوض کردم و دارم تفننی کار می کنم و هیچ برنامه رسمی برای اجرای کنسرت و اجرای ارگانی در ایران ندارم و فقط فستیوال های بین المللی و آن هم در حد توان.

– چه راه هایی وجود دارد برای این که هنرمندان حرفه ای موسیقی بوشهر از نظر اقتصادی با درآمد همین فعالیت هنری زندگی کنند به طوری که تمام توجه و تلاش و تمرکز خود را در راستای موسیقی بکار گیرند؟

– موسیقی کاری است که باید برایش وقت بگذاری وتمرکز کنی و در حال و هوایش قرار بگیری تا بتوانی موفق باشی و خلق اثر کنی، متاسفانه وقتی هنرمند دچار مشکل مالی و اقتصادی می شود تمرکزش بهم می خورد و شاهد هستیم از زمان کرونا به این ور در زمینه موسیقی تولیداتی نداشتم و یک جوری هنرمندان بندگان خدا با دست خالی مواجه شدند به طوری که هزینه اش خیلی بالا است و هر کلیپی که بخواهی تولید و ضبط و منتشر کنی، هزینه ها بالای بیست میلیون است و هیچ هنرمندی این توان مالی را ندارد. راهکاری که به نظرم می رسد این است که اداره ارشاد فکری برای بیمه و حقوق هنرمندان کند، حالا هر چند تحت عنوان معیشتی و کمک های نوروزی و چند بار هزینه هایی هم به حساب هنرمندان واریز شده اما اینها هزینه هایی نیست که دغدغه هنرمند را کم کند و در کل متاسفانه دیر یا زود متوجه می شوند که راهی ندارند جز فاصله گرفتن از هنر و یا باختن زندگی خودشان.

– افق پیش روی موسیقی محلی بوشهر را چگونه می بینید؟

– در مورد افق روی پیش روی موسیقی بوشهر الان افقی جز تاریکی دیده نمی شود، وقتی موسیقی ای که حدودا به کشورهای یک سوم مردم جهان رفته بود و اجرا کرده بود و توسط گروه های در فستیوال های بین المللی در کشور های مختلفی حضور پیدا می کردند و سفیر فرهنگی ایران و بوشهر بودند، الان جایگاه این موسیقی را رساندن به اجرا در کافه ها و هنرمندان بزرگ و بین المللی مان دارند در کافه های بوشهر برنامه اجرا می کنند و این خیلی فاجعه بار است و اگر بخواهد این طور پیش برود به نظر من اتفاقات خوبی هم که تا حالا افتاده بود برای موسیقی بوشهر و جایگاهی که در کشور و حتی در دنیا داشته، این جایگاه خودش را هم از دست خواهد داد.

مصاحبه نسیم جنوب با آکا صفوی، هنرمند موسیقی بوشهر:

هنر اصیل مثل رودخانه است که هر مانع سر راه را با خود می برد



– شما به عنوان یکی از فعالان عرصه موسیقی محلی بوشهر، روند این موسیقی را در چند دهه اخیر چگونه می بینید؟

–موسیقی بوشهر روند قابل توجهی به سمت بروز شدن و جهانی شدن داشته است. با نگاهی اجمالی می بینید که موسیقی بوشهر به نسبت چند دهه ی گذشته در تنوع ساز بندی ها، تصنیف سازی، تجربیات تلفیق این موسیقی با موسیقی های دیگر پیشرفت چشمگیری داشته است. موسیقی محلی بوشهر در سال های اخیر نه تنها در جنوب بلکه در کشور و در بسیار از کشورهای خارجی مورد توجه قرار گرفته، که این امر مرهون خلاقیت و بدعتی است که در سال های اخیر در موسیقی بوشهر اتفاق افتاده است.

– هنرمندان موسیقی بوشهر با محدودیتهایی هم روبرو بوده اند، در این باره چه نظری دارید؟

– در بوشهر محدودیت برای گروه ها و افرادی است که نسبت به آنها حساسیت ایجاد شده است که این افراد هنرشان و آثار و کارهایی را انجام میدهند علمی و مورد توجه همگان است. اکثر گروه ها خیلی راحت و آسوده اجرا می کنند کسی هم کاری به کارشان ندارد!

با همه ی محدودیت هایی که برای گروه ها و افرادی که در بالا گفتم؛ پیشرفت و برون رفت از این محدودیت ها را کارها و آثارشان انجام می دهد. من معتقدم هنر اصیل مثل رودخانه است که هر خس و خاشاك و هر مانعی سر راهش باشد می شوید و با خود می برد.

– در سالهای اخیر شاهد استقبال خوبی نسبت به موسیقی محلی بوشهر بوده ایم، این استقبال چه تاثیری روی این موسیقی گذاشته است؟

– استقبال و علاقمندی و ارزش گذاری به ساز و موسیقی بوشهر نسبت به چند دهه ی اخیر صد درصد افزایش داشته است. اگر خاطر شریفتان باشد چند دهه گذشته افراد خاص و مشخصی اجرا کننده و نوازندگان این موسیقی بودند و غیر از این افراد اجرای موسیقی برای کسان دیگر عملی ناپسند و ناشایست بشمار می رفت. در حال حاضر و به برکت تغییرات فرهنگی و روشن شدن جامعه و تغییر نگاه مردم به موسیقی محلی، باعث است که استقبال خوبی هم در فراگیری ساز و اجرا هم شنیدن، صورت گیرد. امروزه موسیقی بوشهر برای سراسر ایران جایگاه بسیار ویژه ای دارد و استقبال خوبی از موسیقی بوشهر انجام می شود.

– تقلیدی و تکراری شدن موسیقی محلی بوشهر را چقدر جدی می دانید؟

– باید بگویم متاسفانه افراد خلاق و نوآور و بدعت گذاری که موسیقی بوشهر را با تمام عناصرش بشناسد و کاری برای بست دادن این موسیقی انجام دهد بسیار کم است. تعدادی انگشت شمار اشخاص خلاق داریم. اشخاص دیگر حتی در دست گرفتن ساز هم تقلید می کنند. در سال های اخیر خلاقیت همین افراد اندك باعث شده است که موسیقی بوشهر از تکرار کمتری برخوردار باشد. اجرای مکرر و پر تعداد بعضی از ژانرهای موسیقی بوشهر برای ما دلزدگی ایجاد کرده و به یک نواختی رسیده است. مثل خیام خوانی و شروه خوانی.

– خاطره ای از موسیقی برای خوانندگان نسیم جنوب بفرمایید.

– سال ۲۰۱۱ برای اجرا در فستیوال موسیقی به کشور الجزایر رفته بودیم، اجرای اختتامیه در سالنی رو باز در شهر تلمسان انجام می شد. سالن مملو از جمعیت بود، چند دقیقه که از اجرای ما نگذشت بود که سالن یه یکبار و با هم شروع کردند به الله اکبر گفتن! یک لحظه ترس سراپای ما را فراگرفت، بسیار هم سرو صدا و همهمه می کردند و فکر کردیم که در حال اعتراض به اجرای موسیقی هستند. راهنمای ما فهمید که ما ترسیدیم کنار گروه آمد و گفت: اینجا از هر اجرایی بسیار لذت ببرند الله اکبر سر می دهند. کمی دلمان آرام گرفت و به ادامه اجرا پرداختیم.

– به نظر شما برای موفقیت در موسیقی، افراد به چه نکاتی باید توجه کنند؟

– موفقیت هر موسیقی در دست هنرمندان آن رشته است. هنرمندانی موفق به پیشرفت موسیقی اشان می شوند که چند خصوصیت داشته باشند:

اول شناخت از موسیقی اشان از گذشته تا با امروز یعنی سیر تطور موسیقی خود را بشناسند. اطلاع کافی راجع شناخت و چگونگی موسیقی خود داشته باشند. پژوهش و تحقیقات کرده باشند. خلاقیت و جسارت داشته باشند و این که دانش موسیقیایی اش به روز و شناخت نسبی از موسیقی های دیگر داشته باشند تا به موقع و درست بر پایه اصالت ها کار درستی را در موسیقی را انجام دهد.

– سخن پایانی؟

– امیدوارم شاهد اتفاقات خوب و شیرینی برای هنرمندان و موسیقی بوشهر در آینده ای نزدیک باشیم. سپاس از نسیم جنوب که این روز را محترم شماردید.

نسیم جنوب
سه شنبه ۱۴۰۱/۳/۲۴ شماره ۱۰۰۶

حفظ اصالت موسیقی محلی بوشهر؛ با پرهیز از تکرار در هجویات و لودگی در نحوه اجرا

عباس شاهپیری



در هر قوم و نژادی، ترانه های محلی اولین پایه تجربی موسیقی آن دیار به شمار می روند، بطوری که غم ها، شادی ها و شکست ها و پیروزی های قهرمانان و شخصیت های برجسته مردم آن سرزمین به این موسیقی راه می یابند و از ارزش ویژه ای نیز برخوردارند. سرمایه اصلی موسیقی محلی یک استان را باید در آواها و نغمه های محلی و بومی آن دیار جست وجو کرد.

موسیقی فولکلوریک بوشهر از تاریخ و فرهنگ و آداب و رسوم زندگی مردم در طول قرون متمادی سرچشمه می گیرد. موسیقی فولکلور برای مردم بوشهر فقط یک وسیله ساده تفریحی یا یک منبع ارضاء روحی یا یک هنر رایج نیست، بلکه با اعمال و رفتار روزمره افراد جامعه ارتباط دارد، مردمی که سعی می کنند احساسات خود را بی تکلف با تشبیهات ساده به شکل آهنگ ها و ترانه های ساده و عامیانه بیان کنند و گاه به قدری ماهرانه از عهده این کار برمی آیند که اثری جاودانه از آنان باقی می ماند. «شنیدم بهمنی گردان می سازند / برای سربازها زندان می‌سازند». به همین سادگی شعر می گویند و موسیقی دلنشین می‌سازند. اسناد تاریخی نشان می دهد که بوشهری ها از قرن های اولیه تمدن و تاریخ، خود اهل و دوستدار موسیقی بودند.

موسیقی عاشورایی یا موسیقی مذهبی، از شاخص ترین نمونه های موسیقی فولکلور بوشهر است که نوحه، ذکر، مرثیه و مصیبت، شروه و روضه در آن وجود دارد و همین طور در تعزیه که یکی از مردم پسندترین شکل مراسم مذهبی به شمار می رود در آن از آلات بوق و سنج و دمام هم استفاده می شود که البته غالباً نه توسط نوازندگان حرفه ای بلکه عامه مردم به خصوص جوانان هم در نواختن آن شریکند.

موسیقی محلی بوشهر آئینه تمام نمای اندیشه و فرهنگ و آداب و رسوم مردم این دیار است ولی چون در این استان اقوام مختلفی ساکن اند که از نظر فرهنگی و قومی تفاوت هایی با یکدیگر دارند، بنابراین موسیقی محلی ما نیز دارای خصوصیات بسیار متنوع از نظر طرز بیان و لحن موسیقی است. دشتی، دشتسونی، تنگسونی، لری، شبانکاره ای، کنگونی، خارگی و بندری بوشهری ترانه هایی بسیار متفاوت و غنی هستند که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر رسیده است و سعی در انتقال احساسات و عواطف و به عبارت دیگر سرشار از روایات، حکایات و داستان های اجتماعی و حماسی آن سامان است که توسط هنرمندان موسیقی اجرا شده اند. موسیقی در بوشهر از ریشه عمیقی برخوردار است. چنان که مردم بوشهر با موسیقی زاده می شوند و زندگی می کنند و با آن از دنیا می روند. جشن ها، بازی های سنتی، سوگواری ها، آئین ها و تولد فرزندان به ویژه پسران و عروسی همه با موسیقی همراه است. تأثیر طبیعت به خصوص دریا و ساحل و نخلستان در موسیقی محلی بوشهر از خصوصیات بارز آن به شمار می رود.

در موسیقی بوشهر، همچون موسیقی دیگر مناطق، انواع احساسات و حالات درونی نوازنده و یا خواننده، تشکیل دهنده بخش عمده ای از موسیقی است. برای شناخت موسیقی بوشهری در مرحله اول باید زبان محلی بوشهری ها را بشناسیم، چرا که موسیقی محلی هر منطقه ای، ارتباط مستقیم با زبان آن منطقه دارد. در واقع ریتم و تمپو و ملودی و صدا و بطور کلی، فرم در موسیقی هر منطقه، ارتباط مستقیم با زبان آن منطقه دارد و به همین دلیل است که در بوشهر، موسیقی هر شهرستان با شهرستان دیگر، تغییرات اندکی دارد، چرا که در گویش آن ها، تفاوت هایی اندک به چشم می خورد و هر چه اختلاف لهجه میان محله ها بیشتر می شود، تفاوت در موسیقی آن ها، آشکارتر می نماید. که البته این امر، باعث پیدایش سبک ها و گرده های مختلف شروه و لالایی در بوشهر شده است. علت این چند لایه بودن موسیقی بوشهری، بعضاً به دلیل موقعیت جغرافیایی آن و البته تجاری بودن این شهر نیز میشود. بطوری که مردمانی از شهرهای مختلف ایران و حتی در گذشته مهاجرین خارجی با حضور در این منطقه به دلیل مراودات تجاری آمده اند و با ردپا و اثر فرهنگی و اجتماعی بر موسیقی تاثیرگذاشته اند. در این موقعیت زمانی یکی از مشکلاتی که در مورد شناخت عموم از موسیقی بوشهری پدید آمده این است که عموماَ تصور می کنند موسیقی بوشهری تنها یک موسیقی با ریتم تند و ملودی های تکراری و شعرهایی کم ارزش و بدون محتواست.

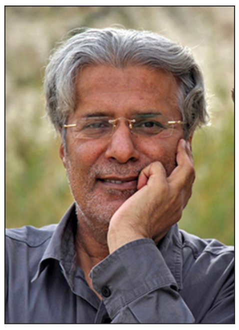
خیام خوانی و بسیاری دیگر از سبک های موسیقی بوشهر با فرهنگ عامه مردم این استان گره خورده و بخشی از موسیقی این استان شده اند و شاید به همین دلیل است که موسیقی در بوشهر از دیگر هنرها در بین مردم محبوب تر است.

از طرفی شروه که به نادرست آن را از موسیقی های عزاداری و مرتبط با مرگ و مرثیه می شناسند، در واقع یک آواز عاشقانه است و حزن و اندوه آن حزن و اندوهی برگرفته از احساسات و عواطف عاشقانه است.

در نهایت باید به این موضوع اشاره کنیم که در موسیقی محلی بوشهر می توان هم حزن و اندوه را مشاهده کرد و هم شادی را. بنابراین باید برای جلوگیری از فراموش شدن گونه های این موسیقی تلاش وافر کنیم. در همین خصوص یکی از مهمترین قدم ها می تواند شناخت و اجرای این موسیقی ها توسط موسیقیدان ها و پژوهشگران بزرگ استان باشد. البته حفظ اصالت و ریشه این موسیقی باید با پرهیز از تکرار در هجویات و لودگی در نحوه اجرا به خصوص در زمینه موسیقی شاد و خیام خوانی مورد توجه خاص هنرمندان قرار گیرد که اگر متاسفانه این نوع تفکر و اندیشه لودگی و بی بند و باری در موسیقی بوشهر عادت شد، به طور حتم در آینده همین شیوه بخش مهم و نادرستی از موسیقی محلی بوشهر می شود.

مصاحبه نسیم جنوب با محمد لطفی نویسنده و کارگردان بوشهری:

موسیقی محلی بوشهر از فراز شانه های تاریخ می آید



– با نگاهی به چند دهه اخیر، روند موسیقی محلی بوشهر را چگونه ارزیابی می کنید؟

– با درود به هفته نامه نسیم جنوب که به هر بهانه همواره بزمی و رزمی در پاسداشت فروغ فرهنگ و هنر بر پا داشته و دارد. پاره ای از صاحب نظران بر این باورند که قدیمی‌ترین وسیله تولید موسیقی صدای انسان است. بعد از آن شاید انواع سازهای کوبه‌ای و پس از آن سازهای بادی قدمت بیشتری دارند. یک قطعه استخوان سوراخ شده مربوط به دوره انسان نئاندرتال را قدیمی‌ترین سازبادی کشف‌شده می پندارند، به هرصورت موسیقی، زبان احساس است، زبانی جهانشمول که هر بیننده وشنونده را ترغیب به دیدن و شنیدن می نماید، موسیقی بوشهر با همه ی فراز و فرودهایش هنوز هم محل الگو و اتکاست، صلابت خودش را حفظ کرده است و این مهم را وام دار هیچ نهادی و مسئولی نیست، بلکه موسیقی بوشهر در ذات جغرافیا و هنرمندان شریف، و از خود گذشتگانی است که در این سال ها برای آن از خود گذشته اند که توضیح و تفسیر آن را اهالی فرهنگ و هنر می دانند و اشاره بدان دراین نوشتار نمی گنجد. شرح این هجران واین خون جگر... منتظر باشید تا وقت دگر.

– علیرغم محدودیتها و موانع رسمی و غیررسمی در مقابل موسیقی محلی بوشهر، به نظر شما چه عواملی باعث شد تا موسیقی مغلوب این موانع و محدودیتها نشود؟

– این که چرا موسیقی بوشهر ضربه فنی نگاه های بسته نشد به عواملی چند مرتبط است؛ مهمتر آن که اصلا این جا موسیقی همزاد مردمان دریاست و خود فلسفه ای دارد در پیوند با زندگی که جدا ناپذیر است، موسیقی بوشهر، این چشم آبی ازل تا فردای ابد، نو پا نبوده یا دسته کم نمی توان اتکیتی چند صد ساله برآن زد ، موسیقی بوشهر زبان حیات است، روح پریشیده ی امواج در اتمسفری است که استنشاق می کنیم. شواهد ی در دست است که موسیقی از عهد ایلام تا کنون در بوشهر جاری و ساری بوده است و در هر برهه تغییراتی متحمل شده است، اما حیات موسیقی با تمدنی گره خورده که در رگ و پی مردمان دریاست، کاش فرصت بود تا به تفکیک اشاراتی به اشکال گوناگون موسیقی و کاربرد آن در بوشهر اشاره می داشتم، موسیقی چنان در تار و پود زندگی درهم تنیده که جدا کردن یکی از دیگری تقریباً محال می آید. در این شهر هنرمندان هنر را به سیم و زر نفروختند بلکه از روی عشق هنرشان را عرضه کرده اند، وقتی عاشق باشی دیگر قید و بندها رنگ می بازند، هرکسی در عشق چشمی باز شد پایکوبان آمد و جانباز شد، موسیقی بوشهر زبان دریا و جاشو و ناخداست، زبان آیین است، زبان زن و مرد جنوبی که خون دل ها خوردند تا نشاط و شور و نغمه و نور را در رگارگ این شبه جزیره به حرکت در آورند و تمام آوندهای این اسکان گاه خشن وبی رحم در بر بگیرد و زندگی ادامه یابد، موسیقی بوشهر زبان شور و شیدایی و یزله و نی مه و خیام خوانی است تا ادامه را تاب بیاوریم.

– استقبال مردم استان بوشهر و کشور در این چند دهه از موسیقی محلی بوشهر را چگونه ارزیابی می کنید؟

– موسیقی محلی همه ی ملل معمولاً دارای ویژگی‌های خاصی است که شکل بدوی خویش را با همه ی هجوم مدرنیته حفظ کرده است و موسیقی بوشهر هم چنین است، می‌بینید که در کشور از جایگاه ویژه ای بر خوردار است، کافیست به خیام خوانی بوشهری به دقت جان بنگریم ، اگر رباعیات حزن انگیز است اینجا در بوشهر با غنای موسیقیایی در هم می آمیزد و حتی زبان اندوهان خیام به شور و شعف تبدیل می شود، این گواه روشنی است از استقبال مردم که در کوچه و بازار هم این رباعیات را زیرلب زمزمه می کنند.

– دلیل این استقبال را چه می دانید؟

– چون اصولاً انسان شادی طلب است ولی این همه ی ماجرا نیست. موسیقی محلی بوشهر از فراز شانه های تاریخ می آید پر از رویدادها و آیین ها که مملو از حماسه و شور است و حس آن را نشانه می رود، تمام روح و جسمت را در گیر و تسخیر می سازد، چونان ساحره ای بدوی، مدهوش جادوی ریتم و صدا و حرکت می شوی، خلسه ای ازلی تمام وجودت را فرا می گیرد گویی به آیینی اساطیری فرا خوانده می شوی و آن چه را می شنوی و شاهدی از آن سوی تاریخ تو را به شنیدن صداهای آغازین میهمان کرده است، فریاد نیستانهای مانده در هوش جهان را، و این یعنی کارکرد هنر ناب. این رمزی از رموز دوست داشتن موسیقی و استقبال مردم از این هنر است.

– باخطر تکرار و درجازدگی موسیقی محلی بوشهر، آن را چگونه می‌بینید؟

– ببینید ملودی احساسی است که از ترکیب زیرو بمِی نت‌ها و ضرب‌آهنگ به وجود می‌آید. خَوب شما فرض بگیرید اگر این همه توسط نوازنده ای مبتدی و ناآشنا به فن و فنون موسیقیایی نواخته شود، ملال آور است. یا مثلاً اگر ریتم، طعم تکرار بدهد یا شعر از قابلیت شعری تهی باشد، یا خواننده از موهبت صدا برخور دار نباشد قطعا من هم با شما موافقم که نوعی در جا زدگی است. ابوعلی سینا در کتاب شفا در شش بخش موسیقی را تشریح می‌نماید و می گوید: «موسیقی یکی از علوم ریاضی است» که منظور آن مطالعه صداهای موسیقی و بحث در ملایمت و عدم ملایمت و همچنین کشش آنها و قواعد ساختن قطعات آن است. بنابراین علم موسیقی شامل دو بخش است: علم ترکیب نغمات مربوط به صداهای موسیقی و علم اوزان مربوط به زمان هایی که صداهای یک نغمه را از یکدیگر جدا می‌نماید. پایه این دو قسمت بر اصولی استوار است و از علومی خارج از موسیقی اخذ می‌شوند که بعضی از این اصول از ریاضی و بعضی دیگر از فیزیک و علوم طبیعی و برخی از هندسه گرفته می‌شوند، کافیست به عنوان مثال نی انبان که سازی هوا صداست را در نظر بگیریم، شناخت و استادی نوازنده و... چیرگی و رعایت اصول مواردی از این دست می تواند از در جا زدگی آن بکاهد. فکر می کنم ما هرچه از ریشه موسیقی چه از نظر شعر، آهنگ و... فاصله گرفته ایم حس در جا زدگی، تکرار و عدم شور و نشاط را حس کرده ایم.

– چه طور می‌توان از این درجازدگی جلوگیری کرد؟

– راه برون رفت از آن چه در سوال شماست، پرهیز از تکرار و باز گشت به غنای غنی داشته های فلکوریک خود است یعنی همان شور و یزله و هیجان، همان سبک و سیاق موسیقی ناب به معنی مطلق کلمه.

– چه پیشنهادی در زمینه موفقیت موسیقی محلی بوشهر دارید؟

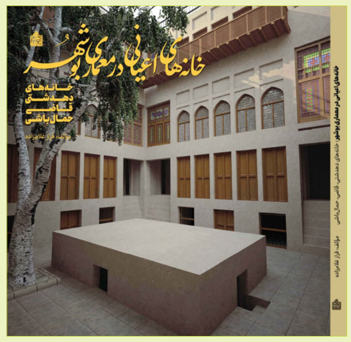
– خود ماهیت هنر جاری و ساری بودن آن است که خوشبختانه در بوشهر چنین است، پیشنهادات هم نقطه نظر شخصی است، من اعتقاد و اعتماد به خرد جمعی و راهکار های تیمی هنری در این مورد و مواردی از این دست برای هنر موسیقی و دیگر هنرهای بوشهر و هنرمندان بوشهر دارم، به باور من هنرمندان نسل اندر نسل و سینه به سینه با تاریخ شفاهی و مکتوب در پاسداشت موسیقی از خودگذشتگی و اگر اغراق نباشد ایثار کرده اند، اما متولیان فرهنگ و هنر در قبال این همه گذشت و فداکاری پا به پای آنها به میدان نیامده اند، شما یاران نسیم جنوب خود از اهالی فرهنگ و هنرید و به مشکلات هنرمندان آشنا، من بارها شاهد بوده ام گره گشای موارد دوستان هنرمند بوده اید، هر چند مسولیتی اداری در این میان ندارید، سوال اینجاست واقعا مسولین کجای این معادله اند، آن آقای مسول باید بداند اگر هنر و هنرمندان نباشند او هیچ جایگاهی دراین بین ندارد، همواره باید به یاد داشته باشند که از افتخار آفرینی و بالندگی هنرمندان است که دفتر و دستکی دارند، اگر واقعا عاشق فرهنگ و هنر و هنرمندان هستند، حمایت همه جانبه را جدی بگیرند، حتی اگر به مثابه از دست دادن مسولیت باشد، همیشه مسولینی در حافظه تاریخی هنرمندان می مانند که حامی ایشان باشند.

– سخن پایانی؟

– متاسفانه امروزه به دلیل تنوع رسانه‌های دیداری و شنیداری، موسیقی ما که میراث مردمان دریا برای آیندگان است، با عدم آگاهی دستخوش دگرگونی هایی گردیده که با دیدن و شنیدن آن نمی توان با آن ارتباط بگیری و در واقع رنج افزاست، امید است انجمن موسیقی بوشهر که خود از هنرمندان صاحب نام بوشهرند با ورود به این مهم از تخریب بیش از پیش آن همه شکوه سرمدی موسیقی این خطه بار دیگر حس و حال موسیقی بوشهر را رونق دهند، بادا همانند گذشته موسیقی ناب بوشهر با مضامین اصیل به میان مردم بیاید و بار دیگر در ذهن و زبان آنها جاری شود... چنین باد.

معرفی کتاب خانه های اعیانی بوشهر

طی دوره های زندیه و قاجاریه بندر بوشهر شاهد پیدایی مجموعهٔ قابل توجهی از بناهای اعیانی زیبا و شکوهمند بود که در درجهٔ اول تعلق به تجار ساکن در این بندر داشت. در درجات بعدی مأموران عالی رتبهٔ دولت ایران و کنسولگری های اروپایی چنین بناهایی را دارا بودند. در واقع ثروت لازم برای چنین بناهایی یا حاصل تجارت بود و یا از خزانهٔ یک دولت تأمین می شد. فراهم ساختن رفاه ساکنان نیز مقصود اصلی سازندگان این بناها بود. برای این منظور مواد و مصالح ساختمانی از نواحی دور و نزدیک چه در داخل ایران و چه از خارج فراهم آورده می شد. اما تغییرات و تحولاتی که موجب جای سپردن شهرهای تجاری به یکدیگر می شود سرانجام شامل بندر بوشهر نیز شد. آن ثروتِ حاصل از تجارت از این بندر رخت برکشید، تجارتخانه ها و کنسولگریها نیز یکی پس از دیگری رفتند. دیگر بناهای اعیانی با معماری خاص مناطق ساحلی نیز ساخته نشد. معماری جدیدی که با آمدن وسایل برقی جدید به خانه ها و با کاربرد گستردهٔ سیمان و آهن و شیشه در بناها رایج شد نیز شکل و شیوهٔ معماری را دگرگون ساخت. در نتیجه از دورهٔ قاجاریه تعداد قابل توجهی بناهای اعیانی بزرگ و مجلل در بندر بوشهر باقی ماند که متأسفانه تا مدتها در مراقبت و مرمت آنها دقت و مدیریت لازم صورت نگرفت. تعداد زیادی از آنها از بین رفت و در مجموع آن خانه ها و بافت تاریخی محله های شهر به صورت میراث فرهنگی و خاطرهٔ تاریخی ساکنان این بندر تاریخی درآمد.



کتاب «خانه های اعیانی در معماری بوشهر» که به تازگی، در بهار ۱۴۰۱ از سوی انتشارات آبادبوم منتشر شده، اثر جدید محقق بوشهری، آقای فراز غلام زاده است که در آن سه عمارت معروف تاریخی بوشهر معرفی و بازسازی و بازشناسی شده است. در واقع این اثر در دنبالهٔ کتاب قبلی ایشان با عنوان «معماری بوشهر در دورهٔ زند و قاجار» قرار دارد که توسط همین ناشر در سال ۱۳۹۲ عرضه شده است. در آن کتاب نگاهی گسترده و کلی به معماری بوشهر و نواحی پیرامون آن صورت گرفته بود اما در کتاب تازه انتشار یافته نگاه دقیقتری به سه بنای اعیانی به نام های «خانهٔ دهدشتی»، «خانهٔ قاضی» و «خانهٔ حمال باشی» را شاهد هستیم.

ویژگی شاخص این کتاب در آن است که دو خانه از سه بنای بررسی شده اکنون وجود خارجی ندارند و اثری از آنها باقی نمانده است. ویژگی دیگر کتاب استفاده از عکسهای کمتر دیده شده و همچنین بازسازی خانه ها در قالب تصاویر سه بعدی است. ترسیم نقشه هایی با ابعاد دقیق از ساختمان و اجزا و عناصر آنها و منضم ساختن اسناد تاریخی، در مجموع تصویری جاندار و کامل از خانه ها را در مقابل دیدگان خوانندگان قرار می دهند. این ترکیب، افزون بر اطلاعات معمارانه و زیبایی بصری، حسی نوستالژیک را در ذهن خوانندهٔ بوشهری برمی انگیزد و احیاگر خاطرات روبه فراموشی آنهاست.

وجه شاخص دیگر کتاب افزودن مطالبی از خاندانهای مالک این سه خانه، به ویژه خاندان دهدشتی است که هم زمان، اطلاعات مستند و مصوری از اعضا و گسترهٔ تجارت و فعالیتهای آنها را بازمی تاباند و از این طریق یاد خاندانهای نامدار و اصیل بوشهر را نیز ماندگار می سازد.

کتاب حاصل نزدیک به دو دهه ممارست در امر مشاهده و عکاسی و گردآوری اطلاعات و سرانجام تدوین و نگارش صاحب اثر بوده است. تعلق خاطر عمیق نویسنده به معماری زادبوم خود و هوشمندی وی در ثبت و ضبط بناهای روبه ویرانی و سرانجام همت و پشتکار ایشان در تدوین و انتشار کتاب شایستهٔ تقدیر است.

کتاب «خانه های اعیانی در معماری بوشهر» در ۱۹۵ صفحه، به صورت تمام رنگی و مصور، روی کاغذ گلاسه در قطع خشتی منتشر شده است. در این کتاب ۱۲۳ عکس رنگی عمدتاً قدیمی از خانه ها، تصاویر بازسازی شدهٔ سه بعدی خانه ها و عکسهای قدیمی از خاندانهای تاجر صاحبان خانه ها به چاپ رسیده است. همچنین از ۱۳ نقشه شامل پلان و سایت پلان، ۲۲ طرح ترسیمی و ۲۵ سند تاریخی در کتاب استفاده شده است.

برای تهیه کتاب از راههای زیر می توانید اقدام کنید:

اینستاگرام: faraz.gholamzadeh@ واتساپ: ۰۹۱۷۲۶۸۱۹۰۷

وب سایت: abadboomnashr.com

جمعی از معلمان و کارکنان مدارس بندر بوشهر در دهه ۶۰

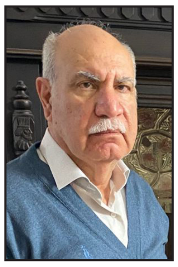
ایستاده از راست: عبدالکریم مشایخی، محمدعلی مطیع‌الله، برهان غلامپور، عبدالحسین کنین، ناشناس، حسن برازجانی، ماندنی گوهرنشان، عباس ریحانی، مجید فرخ، حبیب شفیعی

نشسته از راست: ماشاالله پورجماد، محمد لاله رخ، احمدبادساز، حمید قربانی، محمدرضا قائدزاده، رحمان علیزاده، خضر زنده‌پی



خاطره ای از ساخت خیابان و میدان ششم بهمن (انقلاب) در بوشهر قدیم

غلامرضا شریفی خواه



چند سال قبل از دهه چهل خورشیدی از طرف بلدیه (شهرداری) تصمیم گرفته شد که برای گسترش خیابان ها و زیبایی شهر بوشهر، ساخت خیابان جدید و میدانی (فلکه) انجام دهند و روند نقشه بر این گونه بود که از کنار دریا تا مرکز بوشهر یعنی دروازه به خیابان های شاپور و صفوی (ایستگاه) و نادر وصل شود و دستور کار از سال ۱۳۴۰ خورشیدی بود که با اعتراضات عده ای از اهالی مردم شهر نسبت به خراب کردن خانه هایشان به شهرداری وقت روبرو شد ولی در آخر هم نتیجه ای حاصل نگردید و هم چنین ساختن میدان فعلی شهر، و با این طرح، باید بافت قدیم شهری به دو نیمه شرقی و غربی تقسیم شود.

در آن زمان کار تخریب جایی، همه به وسیله نیروی بدنی و با وسایل دست ساز مانند کلنگ، پُتک، بیل، مَنتیل (دیلم) انجام می گرفت و حتی ستون های بلند ساختمان ها به وسیله بند کمبال که کلف و بلند دور آنها گره می زدند و کارگران یا علی گویان به پایین می کشاندند. زیرا وسایل ماشینی وجود نداشت و مصالح ساختمانی مخروب شده به وسیله افرادی خاصی خریداری و به فروش می رساندند.

من هر روز ناظر از بین رفتن خانه ها در راه رفتن به مدرسه بوذرجمهری که در آخر خیابان لیان امروز واقع بود، می شدم و افسوس مکان هایی مانند حسینیه ضیف الله دمستانی که جایی در کنار فروشگاه گل سرخ بود و خانه های چند طبقه قدیمی شناشیردار و یادگارهایی که از اجداد و نیاکان از جمله عتیقه جات (ظروف ها و عکس ها و کتاب ها) از بین رفتند و کوچه های آشتی کنون تنگ و باریک و خاطرات شیرینی که مردم در آن محل ها عبور و مرور می کردند.



اما در مورد کلیسای گئورگ مقدس که در سال ۱۲۳۵ شمسی به وسیله خانواده آوادیان از ارامنه مشهور ساکن بوشهر و با کمک انگلیسی ها ساخته شده بود و بعد از فوت یکی از بزرگان ارامنه از فعالیت افتاد و بعد از چند سال دیگر شروع به کار شد. این کلیسا که قدمت آن از دوره قاجاریه و دارای تالار اجتماعات و محراب و اتاق ها بود و پرده بزرگ حضرت مریم مقدس در سالن اجتماعات نصب شده بود، در تخریب حیاط بزرگ آن که در طرح توسعه خیابان واقع بود که در آن قبرهای انگلیسی ها شامل می شد و نگهبانی به نام عزیز از ارامنه از آن جا مراقبت می کرد و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چند سالی مورد بازدید عموم مردم و گردشگران هم قرار گرفت.

قسمتی از کوچه معروف جفتک هم خراب کردند، این کوچه چرا به این اسم زبانزد مردم آن جا بود؟ گویا شخصی مؤمن و زحمتکش که خانه اش در همان حوالی بود خداوند فرزند دو قلو پسر (جفت) به او می بخشد و به همین دلیل کوچه به این نام معروف می شود. شهرداری خانه هایی که باید تمام تخریب شوند خریداری و خانه هایی که قسمتی از آن در خیابان قرار می گرفت پولی نمی داد زیرا حق مرغوبیت داشتند و ارزش ملکشان بیش تر می شد و دیگر در جای بانک صادرات فعلی که قبلا زمین وسیعی بود به نام میدان مصدق که بنا به گفته بزرگترها محل تجمعات دسته ای مردم و میتینگ ها و اعتراض ها بوده و جای میدان ششم بهمن یا فلکه دروازه تعدادی دکاندارها با کسب و کار مختلف امرار معاش می کردند از جمله نانوایی محمود رضا پدربزرگ شهید انقلاب اسلامی جمشید درختیان و پالوده و بستنی و لیموناد فروشی آقایان شیرو (احمد اسدپور) و عمو حیدر (حیدر طالب پور) و سید باشی بخشایش با تابلو کافه حقیقت و سیگار فروشی عباس زاده و قهوه خانه و ... و آن چه که در طرح شهرداری ترسیم شده بود به ناچار مورد تخریب قرار می گرفت که به میدان زیبای شهر تبدیل بشود.

بعد از خاکبرداری و مسطح شدن زمین ها شرکت معروف اترک شروع به کار کرد و بعد از اتمام جدول کنار خیابان و آسفالت، شهرداری در دو طرف خیابان درختکاری کرد و با نصب شیر فشاری آب آشامیدنی برای رفاه مردم، و در ابتدای خیابان برای نظم عبور و مرور وسایل نقلیه و عابرین پیاده کیوسک پلیس راهنمایی و رانندگی گذاشته شد و دیگر ساختن بانک صادرات که جدیدترین و قشنگ ترین بانک ها با درب های تمام شیشه و احداث میدان یا فلکه شهر و ساختمان سه طبقه آقای پوردرویش سبب گردید دروازه تغییرات زیادی کند و طی مناسبتی از طرف شهردار، خیابان جدید و میدان را به نام ششم بهمن برای مردم معرفی شد و مردم شهر با هر وسیله نقلیه ای که از این خیابان تا انتها عبور می کردند و با نگاه به آسمان آبی دریا و نسیمی که از آن جا می وزید باعث نشاط حال می شد و کاسبان قدیمی کم کم به دکان های نوساز با مشاغل مختلف به این خیابان روی می آوردند از جمله عکاسان و اتوکشی های معمولی و نماینده تلویزیون چوبی کمددار (بِلر) و کفش ملی و لباسشویی و خشکشویی مدرن اکسپرِس و مسافرخانه دریا و نانوایی با پخت نان دایره ای آبادانی از آقای عباس عیوقی و پالوده و شربت فروشی آقای اسدپور و قالی فروشی حق نگهدار و چاپخانه قدیمی آقای علوی و روزنامه اطلاعات آقای بحرینی و دفتر تجاری و لوازم خانگی آقایان بحرینی و توانگر و بانکهای بازرگانی (تجارت) و رهنی (مسکن) و بانک تهران و ساندویچی دروازه و دیگر فضای دروازه شهر دیدنی و زیباتر شد به طوری که جمعی از عکاسان دوره گرد از مردم عکس های یادگاری سیاه و سفید و بعداً عکس رنگی فوری از دوربین پولاروید می گرفتند و این میدان تماشایی مانند نگین انگشتری بود که در وسط مرکز شهر جلوه خاصی داشت.

جوانان بوشهری با لباس های مد روز مثل تک پوش ژوزف و پیراهن هایی با رنگ شاد و یقه خرگوشی و شلوار پاچه گشاد، با موهای خوش حالت و زدن ادکلن پاریسی دور هم در کنار بانک صادرات کنونی جمع می شدند و دربارهٔ تیم های فوتبال و فیلم های سینمایی که دیده بودند بحث می کردند و بعضی جوان ها هم با تیپ و قیافه مارلون براندویی در کنار میدان یا فلکه دروازه که گلگشت شهرمان بود می نشستند.

در جشن عروسیِ ها ماشین عروس و داماد با جمعی از اطرافیان خود با شَپ و کِل و بوق زدن ها میدان و خیابان دوست داشتنی را دورمی زدند و شادی می کردند تا این که در سال ۱۳۵۲ پاساژ کویتی ها با دو طبقه در این خیابان ششم بهمن احداث گردید که باعث پررونقی این خیابان شد مخصوصاً در ایام تعطیلات نوروزی و با آمدن مسافران از شهرهای مختلف و ارزانی اجناس خارجی که در شهرمان وجود داشت و با گذر زمان در سال ۱۳۵۷ خورشیدی که رویدادها و رخدادهای انقلابی در این مکان ها روی داد و با پیروزی انقلاب اسلامی این خیابان به نام «خیابان انقلاب» و میدان هم به نام «میدان انقلاب» تغییر یافت.

ای دنیا؛ رضا بادپا هم رفت

مهدی صالحی زاده

کسی نمی داند کدامین روز می آید و کدامین روز می میرد. چه زود گذشت به راستی که خیلی زود دیر می شود. آقا رضا بادپا سال ۱۳۳۹ به دنیا آمد و در سال ۱۴۰۱ از دنیا رفت. مرحوم بادپا پس از مدتها بیماری و دست و پنجه نرم کردن با بیماری سرانجام روح بزرگش بر بال ابرها به آسمان پرواز کرد و در آغوش پروردگار آرام گرفت. او از لحاظ اخلاق، ادب، مرام، معرفت



و فوتبالی واقعاً قابل و شایسته بود. فقدانش برای همه ورزش دوستان بوشهری، به خصوص محله صلح آباد گران تمام شد. رضا با تنی خسته و زجر کشیده از این دار فانی بهر سوی حق پر کشید. ۶۲ سال زندگی با شرافت و مردم داری از او یک انسان کامل ساخته بود.

اخلاق نیکو در منزل، محل زندگی، محل کار و زمین فوتبال به نحوی بود که کسی از دستش ناراحت نمی شد. او به واقع فعل نوع دوستی و رفاقت را به معنای واقعی صرف می کرد.

با احترام به همه، هم بازی هایش او یکی از پرتلاش ترین و موثرترین فوتبالیست های بوشهر به شمار می رفت. مهار او کار هر مدافعی نبود. قدس، کارگر، شیلات، منتخب کارگران و منتخب بوشهر تیم هایی بودند که آقا رضا بادپیما در آن ها عضویت داشت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

فوتبال هفت نفره ایران نایب قهرمان جهان شد

تیم فوتبال هفت نفره ایران در مسابقات جهانی این رشته که در کشور اسپانیا برگزار شد به عنوان نایب قهرمانی رسید.

به گزارش ایرنا، تیم فوتبال هفت نفره ایران که در دور گروهی مسابقات قهرمانی جهان این رشته در کشور اسپانیا با برتری برابر تیم استرالیا و تساوی برابر آمریکا به مرحله یک چهارم نهایی رسیده بود در این مرحله با نتیجه سه بر یک تیم فوتبال انگلیس غلبه کرد و در جمع چهار تیم برتر این مسابقات قرار گرفت.

تیم ایران در مرحله نیمه نهایی مسابقات جهانی فوتبال هفت نفره اسپانیا موفق شد تیم قدرتمند برزیل را از پیش رو بردارد. این دیدار با حساب چهار بر یک به سود شاگردان امین اله مانی به پایان رسید تا تیم ایران به عنوان یکی از مدعیان قهرمانی به مصاف تیم اوکراین برود. بازی فینال این رقابت ها تکرار فینال مسابقات این رشته در بازی‌های پارالمپیک ۲۰۱۶ ریو بود.

در آن دوره از بازی‌ها تیم اوکراین با نتیجه ۲ بر یک از سد ایران گذشت و به مدال طلا رسید.

در دیدار فینال رقابت‌های جهانی اسپانیا تیم ایران با نتیجه یک بر صفر نتیجه را به حریف واگذار کرد تا به عنوان نایب قهرمانی این دوره از مسابقات قهرمانی جهان این رشته بسنده کند.

کسب این عنوان در حالی بود که تیم فوتبال هفت نفره ایران در دوره گذشته به عنوانی بهتر از پنجم نرسیده بود.

علیشاه طارمی مربی بوشهر تیم ملی فوتبال هفت نفره ایران، نائب قهرمان جهان :

اگر حمایت مهدی طارمی و دوستان ملی پوشش نبود، اعزامی هم در کار نبود

ابتدا باید تشکر کنم از نسیم جنوب که وقت گذاشتید و این مصاحبه را ترتیب دادید. درگذشت مرحوم رضا بادپا از بازیکنان بااخلاق و خوب بوشهر از محله صلح آباد بوشهر را تسلیت عرض می کنم، هم چنین تسلیت ویژه دارم خدمت مردم شریف آبادان که دچار فاجعه متروپل شدند. ما بوشهری ها در کنار مردم آبادان هستیم و در غم آنها شریک هستیم.

کمک های مهدی طارمی نبود با مشکل مواجه بودیم

با حمایت و گذشت جوانان و مردان تیم ملی فوتبال بزرگسالان ایران توانستیم به مسابقات فوتبال جام جهانی اسپانیا اعزام شویم. اگر کمک های مهدی طارمی نبود، با مشکل مواجه بودیم و اعزامی در کار نبود.

واقعا بخش عمده مالی (ورودی مسابقات جهانی) که ۴۵ هزار یورو بود به همت مهدی خودمان، سردار آزمون، علیرضا جهانبخش و کریم انصاری فرد پرداخت گردید. اگر حمایت این عزیزان نبود اعزامی هم در کار نبود. البته فدراسیون جانبازان و معلولین هم حمایت کردند، ولی حمایت ملی پوشان خیلی تأثیرگذار بود.

اگر روسیه بود کیفیت مسابقات بالاتر می رفت

به هر صورت مسابقات جام جهانی اسپانیا خوب بود. گرچه تیم قدرتمند روسیه به دلیل سیاسی از مسابقات حذف شده بود و اگر حضور داشت کیفیت مسابقات بالاتر می رفت به هر حال تیم های حاضر با آمادگی خوبی شرکت کرده بودند در مجموع مسابقات، خوب و راضی کننده بود.

به دیگر مسایل فنی وارد نمی شدم

من که شخصاً اولین سالی بود که داشتم مربی گری را در تیم ملی هفت نفره تجربه می کردم و به ریز مسایل فنی وارد نمی شدم. سرمربی ما که تجربه بسیار زیادی دارند در این گونه مسابقات و حداقل ۲۰ سال در این مسابقات هستند، از همه مسائل بازی ها سر در می آورده و با تجربه ایشان و به راحتی به فینال راه پیدا کردیم. روز فینال نظرات متفاوت بود ما هم نمی توانستیم زیاد ورود کنیم. در برابر اکراین یک بر صفر بازی را واگذار کردیم. ولی چند بخت گلزنی داشتیم که به گل تبدیل نشد. باید قبول کرد که در تیم اکراین یکی از بهترین تیم های دنیاست.

دو بوشهری شایسته دو تیم ملی هفت نفره

از تیم بوشهر دو بازیکن در تیم ملی حضور دشتند (حسین صفری و حسین تیزبر) چون سال اول بنده در تیم ملی بودم نمی توانستم در بعضی از مسایل ورود کنم. ولی خوب یکی از بازیکنان بوشهری که صاحب تجربه هم هست و چند سالی در تیم ملی هفت نفره حضور داشته بابک صفری است که علیرغم دعوت از سوی سرمربی تیم ملی، به خاطر مسایل شخصی نتوانست به اسپانیا بیاید.

صفری خوب ظاهر شد ولی تیزبر مصدوم بود

عملکرد دو بوشهری در تیم ملی دوگانه بود. حسین صفری که خوب ظاهر شد و هم در چهار بازی کاپیتان بود ولی در بازی پایانی در تیم حضور نداشت، آن هم به صلاحدید سرمربی. این هم جز چیزهایی بود که نمی توانم به آن ورود کنم. حسین تیزبر، قبل از مسابقات جام جهانی مصدوم بود و با او مدارا می کردند که به مسابقات برسد تا حدودی این کار انجام شد ولی وی در بوشهر بازی کرده بود و مچ پایش آسیب دید ولی با این وضعیت به مسابقات اعزام شد. بازی اول کاپیتان بود ولی انتظاری که ازش می رفت در حد خودش نبود و از ایشان استفاده نشد تا بازی فینال که آن بازی را واگذار کردیم.

فوتبال هفت نفره یک دنیای بزرگی برای خودش دارد

با توجه به این که اولین باری بود که در این گونه مسابقات جهانی حضور پیدا کردم، چیزهای زیادی در این رابطه برایم مشخص شد. تجربه بسیار خوبی بود. اصلا فوتبال هفت نفره، یک دنیای بزرگی برای خودش دارد. مخصوصا کلاس بندی ها که خیلی کار پیچیده ای است و قدرت و فن هایی دارد که بایستی وارد باشی در نهایت این کار برای من یک تجربه خوب بین المللی بود. احتمال دارد تا چند مدت دیگر به مسابقات بدون مرزی اعزام شویم.



برای برگشت به ایران تست P.C.R انجام دادیم

برای برگشتمان به ایران در فرودگاه اسپانیا، اتفاقات عجیبی برایمان رخ داد. یک دفعه اعلام کردند از جانب ایران اعلام شده هر شخصی که به ایران ورود می کند باید تست P.C.R انجام دهد همه ما غافل گیر شدیم و بایستی هر نفر ۱۵۰ یورو پرداخت می کردیم. خلاصه شرایط خاصی پیش آمد. آنها می گفتند که باید پولهایتان ۵۰ یورویی باشد. خدایا ۵۰ یورویی از کجا بیاوریم. با هزار



مشکل مسئله حل شد و تیم ملی در سه مرحله به ایران آمد.

با اتوبوس به بوشهر آمدیم

روزی که به ایران رسیدیم به اتفاق بچه ها با اتوبوس به بوشهر آمدیم چون هم بازیکنان و هم خودم دوست نداشتیم با کسی رو به رو بشویم به خاطر کم محبتی از بعضی مسئولین این کار را انجام دادیم. وقتی خودمان را با دیگر استان ها مقایسه می کنم می بینم که بچه های بوشهر خیلی مظلوم واقع می شوند. در دیگر جاها از ملی پوشان تجلیل و تقدیر می شود. از لحاظ مسکن و اشتغال مسایل شان حل می کنند، ولی در بوشهر ما حسین صفری که یک معلم می باشد فاقد منزل مسکونی است و فعلا کرایه نشین است. جا دارد مسئولین بوشهر همت کنند. بابک صفری متأهل و بیکار است، باید از ملی پوشان هم استانی تقدیر شود و پاداش خوبی به آن ها داده شود.

رسانه های کشوری کم لطفی کردند

رسانه ها و صدا و سیمای کشوری یک مقدار کم لطفی می کردند. اصلا هیچ پوشش خبری نمی دادند. خیلی ها نمی دانستند بازی ها کجا و کی بوده است. متأسفانه از خبری درخصوص تیم ملی هفت نفره کم لطفی کردند اما مرکز بوشهر و رسانه های استان خبرها را پوششی می دادند.

چند تیم اروپایی خواهان مهدی طارمی هستند

مهدی یک سال دیگر با پرتو قرارداد دارد. البته بستگی داره به جابجایی. در بحث مهاجمان دنیا به تیم های دیگری منتقل می شوند. چند تیم از کشورهای اروپایی هستند که خواهان مهدی می باشند. ولی به طور قطعی مشخص نشده که بخواهیم مطرح کنیم. اگر که به قطعیت رسید حتما اطلاع رسانی می کنم. مهدی می بایست در سن جوانی در اروپا بازی کند نه در سن ۲۹ سالگی در کل ما شاکر هستیم و به گفته خودش خیرت دارد.





صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساپ: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

شرایط سخت؛ با لجام‌گسیختگی در قیمت گذاری ها و عدم نظارت تأثیر گذار

ناصر باستی



به دنبال زنجیره افزایش ظالمانه قیمت‌ها و گرانیهای کمرشکن اخیر در حوزه مایحتاج عمومی و به ویژه مواد غذایی، متأسفانه امروز شاهد افزایش تأسف آور و بی ضابطه حدود ۶۵ درصدی مصالح معدنی تولیدات سنگ شکن ها بودیم که یادآوری نکاتی ضروری بنظر می‌رسد:

۱- ظاهراً دولت علیرغم وظیفه خود در اعمال نقش حاکمیتی به منظور جلوگیری از افزایش نارضایتی های عمومی کمترین نظارتی را در این خصوص نداشته است.

۲- افزایش این میزان قیمت مصالح معدنی حداقل طی ده سال گذشته بی‌سابقه بوده است.

۳- سوابق قیمت گذاری این گونه مصالح به دلیل نقش گسترده آن در فعالیتهای اجرایی سالها توسط حوزه معاونت عمرانی استانداری کنترل و مورد نظارت جدی بوده است.

۴- به دلیل تاثیرات بسیار زیادی که این افزایش قیمت مصالح و نیز هزینه های حمل می تواند بر روی قیمت تمام شده فروش و حتی اجاره مسکن و پروژه‌های عمرانی استان به ویژه در حوزه زیرساختی « راه » بجا گذارد ضرورت توجه جدی تر نماینده عالی دولت را مضاعف می سازد.
به ویژه آن که این افزایش قیمت صرفاً منطقه ای است و تابع شرایط اقتصادی ملی نیست.

۵- یکی از وعده‌های جدی این دولت برنامه جهش تولید مسکن وساخت یک میلیون واحد مسکونی در سال است که با این اتفاق عدم تحقق این وعده محتمل تر از گذشته خواهد بود.

۶- با توجه به محدودیت و تنگناهای منابع مالی دولت به دلیل کاهش فروش نفت و به تبع آن کاهش تخصیص اعتبارات عمرانی، این موضوع نه تنها موجب رکود اجرای پروژه ها در سطح استان می شود بلکه زمان تکمیل و بهره برداری از پروژه ها طولانی تر خواهد شد و دولت ناچار می شود تفاوت قیمت مصالح را در پرداخت به پیمانکاران به نحوی جبران نماید.

به نظر می‌رسد با این روند و وضعیت لجام‌گسیخته در قیمت گذاری ها و عدم نظارت تأثیر گذار در بخش های مختلف مردم بایستی در انتظار شرایطی سخت تر وشکننده تر از حال حاضر باشند.

نجات زندانی محکوم به قصاص در بوشهر با کمک علی دایی

یک زندانی محکوم به قصاص با میانجیگری اسطوره ورزش ایران علی دایی در شهر بوشهر آزاد شد. این زندانی که به جرم قصاص محکوم شده بود و به مدت حدود ۱۷ سال در زندان مرکزی بوشهر به سر می برد، با تلاش اعضای شورای حل اختلاف، قضات، معتمدین و میانجی گری علی دایی اسطوره فوتبال پرونده وی بعد از ۱۷ سال به سازش ختم و پرداخت مبلغ مورد درخواست اولیای دم از سوی علی دایی، متهم از چوبه دار نجات یافت و از زندان مرکزی بوشهر آزاد شد. در راستای این حرکت سخاوتمندانه از سوی این ورزشکار ملی به عنوان یک چهره مردمی، رئیس اداره زندان مرکزی بوشهر از ایشان تقدیر نمود.

غلامرضا وزان هنرمند موسیقی بوشهر در مصاحبه با نسیم جنوب:

موسیقی ملی، وامدار موسیقی مقامی و محلی کشور ماست


IOTC PHOTO Mohammad Penhan

- در سالهای اخیر شاهد استقبال فوق العاده از موسیقی محلی بوشهر هستیم، دلیل این امر را چه می دانید؟
- با سپاس از توجه نسیم جنوب به موسیقی محلی، تغییر در نوع نگاه به موسیقی محلی و تحقیق و کند و کاو در تاریخچه این نوع موسیقی و تلاش توسط علاقمندان این هنر موجب شد که این موسیقی تأثیرات زیادی در اشکال گوناگون بر دیگر نقاط کشور داشته باشد. استخراج بن مایه های موسیقی محلی و تلفیق آن با سازهای ملی و حضور آن در جشنواره های داخلی و خارجی هویت بیش ازپیش آن را به منصه ظهور رسانده است.
-این در حالی است که موسیقی محلی بوشهر هم با موانع و محدودیت های زیادی روبرو بود.
- وجود موانع در مسیر حرکت موسیقی همواره وجود داشته که خود موجب شناخت بیشتر آن در بین آحاد مردم گردیده و کنجکاوی مضاعفی در اذهان ایجاد نموده است. اما وقتی موسیقی یک ناحیه در دل و جان مردم یک منطقه از جغرافیای کشور همواره در جریان باشد، لاجرم هیچ مانعی نمی تواند سد راه پیشرفت و عرضه آن شود و همگی شاهدند که در سه چهار دهۀ اخیر موسیقی محلی توانسته است در عرصه های داخلی و خارجی خود را عرضه و به اثبات برساند.

پری رو تاب مستوری ندارد
چو در بندی سر از روزن برآرد

- البته هنرمندان موسیقی امثال شما هم در مقابل این موانع عقب ننشستند و مردم نیز از این موسیقی حمایت کردند.
- باید به صراحت بگویم که مردم بیشترین سهم را در گسترش و شناساندن این نوع موسیقی داشته اند. وجود شبکه های مجازی این امر را بیشتر تسریع نموده است. چون واقعیت وجودی این نوع موسیقی ها بدون هیچ کم و کاستی و سانسوری به دیگر هم وطنان عرضه شده و کار هنرمندان و سازمان ها و نهادهای حامی هنر را آسان تر و راحت تر نموده اند. وجود کنسرتها و اجراهای مختلف در طول سال های گذشته مبین این گفتار است.
-به نظر شما موسیقی محلی بوشهر با چه تهدیداتی روبرو است؟
- باید گفت بزرگترین تهدید برای این نوع موسیقی، تفرقه بین گروه ها و نابسامانی حاکم بر این این گروه ها می باشد. هر کسی راه خود را می رود و به موسیقی فقط از جنبه کسب درآمد می نگرد و حتی پیش آمده که با نازل ترین شرایط به اجرای برنامه اقدام کرده اند. هیچ گونه متولی در این نوع موسیقی متأسفانه وجود ندارد. همت و فروتنی کافی، لازم است تا این نقیصه جبران شده و در جا زدگی و تکرارزدگی را به وجود نیاورد. در سرزمینی که مردم معنی هنر را نمی فهمند، سرزمین برده ها و آدم های کوکی است.
- شما سالهای سال در موسیقی سنتی فعالیت می کردید، چه شد که به سمت موسیقی محلی آمدید؟
-باید اقرار نمود که اگر پیشنهاد و تشویق و ترغیب دوست گرانمایه و هنرمندم جناب محسن شریفیان نبود به یقیم قدم در این وادی نگذاشته بودم. تلاش و همت ایشان در هویت بخشی به این رشته از هنر موسیقی قابل تحسین و قدردانی می باشد.
- چه ارتباطی بین موسیقی محلی و فولکور با موسیقی ملی هست؟
-پایه هر نوع موسیقی ملی در هر کشور بالطبع ریشه در موسیقی فولکلور و مقامی آن ناحیه داشته و دارد. در یک جمله موسیقی ملی وامدار موسیقی مقامی و محلی کشور ماست.
-سخن پایانی؟
- روز جهانی موسیقی را به هنرمندان موسیقی و دوستداران هنر تبریک گفته و آرزوی صحت و سلامتی برای آن ها داشته و با یک بیت از اشعار سعدی بزرِگ صحبت های خود را خاتمه می دهم.

سعدیا با کر سخن در علم موسیقی خطاست
گوش جان خواهد که معلومش کند اسرار دل

صیادی یک شغل سخت و زیان آور است!؟

جواد غلام نژاد جبری



متأسفانه با این که همه مردم متوجه شده اند که دریانوردی یک کار پر زحمت است، به خصوص ماهیگیری، ولی در بیمه جزو کارهای سخت و زیان آور به حساب نمی آید. دریا متحرک و مواج است و ماهیگیران موقعی که با قایق می روند برای ماهیگیری با این موج ها دست و پنج نرم می کنند. زمستان که همه در خانه یا ماشین یا سرکار در جای گرم کنار بخاری نشسته اند، صیادان باید ساعت ۳ یا ۴ صبح سوار قایق به سمت تورهایشان بروند. موج از یک طرف و پاشیدن آب و خیس شدن صیادان در زمستان، و صیادی در گرمای ۴۰ تا ۵۰ درجه تابستان که همه مردم روی خشکی تجهیزات سرمایشی دارند، از طرف دیگر نشان سختی این کار است. در دراز مدت این موج و خیس شدن ها و در دمای گرم رفتن به دریا بر روی کمر، دست، پا، چشم و... صیادان تأثیر می گذارد.
حالا چرا این کار نباید جزو شغل های سخت و زیان آور باشد؟ مسولین که در بیمه هستند یا به قشر پر زحمت صیاد اعتنایی نمی کنند یا این که نمی‌داند این شغل چقدر سخت است، اگر واقعا نمی‌دانند یک کارشناس بفرستند دریا یک‌بار برای کارشناسی. از لحاظ بیمه کمترین حقوق بازنشستگی را صیادان می گیرند. لطفا به جامعه صیاد احترام بگذارید، کم توقع ترین و ساکت ترین افراد که همیشه حقشان را خورده اند صیادان هستند.

مرا به دعایی به یاد آور!

(برای شادروان سید محمود دعایی)


امید زاهد

نگارنده این سطور یک دهه شصتی در دهه چهل زندگانی خود است که برای نوشتن درباره سید محمود دعایی و درس‌هایی که مرام و مسلک او به ما و آینده تاریخ ایران می دهد، قلم فرسایی می کند. با این اوصاف توصیفات نگارنده البته بر اصحاب و انصار و یمین و یسار، پر واضح و مبرهن است و بیشتر توضیحات واضحات به شمار می رود و شما تنها به یاد آورید نماز گذاردن سید محمود دعایی بر پیکر بزرگانی که هر یک قدر و قیمتی در جامعه سیاسی و فرهنگی و هنری ایران داشته و دارند و هر صاحب اندیشه و فکری را به قدر و قیمت دانستن و شمردن و از قِبل آن به جان خریدن هرگونه برداشت و فهمی از این حرکات و سکنات و چشم پوشی و اغماض در مطبوعات و رسانه و سوار بر کشتی حیران و ویران سیاست شدن و در غرقاب عذاب نیفتادنش کاری بس شگرف بود که واقعا نمره بالایی را برای این پیر روشن ضمیر ۸۱ ساله باید کنار گذاشت.
همین که در مرام و مسلک او چه بر پیکر یک نفر از مغضوبین و منتقدان و یا یک نفر هنرمند محبوب و سرشناس، نماز بگذارد و حرمت و احترام که برای انسانیت قائل بود، به نظرم خودش بالاترین درس است. فراموش نکنیم همه ما ایرانی هستیم و برای وطن و میهن که با هم سر جنگ نداریم. اختلاف ها را بپذیریم و برای دیدگاه های مختلف احترام قائل باشیم. که به قول حافظ: «آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است/ با دوستان مروت با دشمنان مدارا».
به باید دانست که امروز برخی اقشار اگر به حفظ جایگاه معنوی خود در جامعه ایرانی امید دارند، این شکل و مرام



و مسلک شخصیت هایی همچون مرحوم دعایی ها را سرلوحه قرار دادن بر این انگبین بیفزاید وگرنه شوری و تلخی به بار آرد و تلخکامی! با این وجود به یاد آر شمع مرده و شمع های مرده را! چراغ‌ها و فانوس‌های خاموش گشته را! بر کسی پوشیده نیست امروز به این فرهنگ رواداری و مردم داری بیش از هر زمانی نیاز داریم. به هر ترتیب اگر زعمای قوم با این اندیشه و مکتب مرحوم دعایی نخواهند کشور را اداره کنند از طوفان‌های خانمان سوز بی بهره نخواهند بود و بیم آن است که داشته‌ها و کاشته‌ها، همه یک شبه بر باد فنا روند!
اگر ما نسل‌های انقلاب ۵۷ هستیم که باید قاعدتاً باشیم این هتک حرمت‌ها به حریم شخصیت‌ها امری نکوهیده است. آن چه امروز در جامعه رخ می‌نماید! چهره‌ای نیست که از ایران و ایرانی بازتاب دارد! اگر به ماندگاری و جاودانگی انقلاب ۵۷ باور و ایمان دارید بر خدمت به خلق پافشاری کنید و بر همان اندیشه و مسلک امثال مرحوم دعایی استوار باشید!
مردم همان مردم هستند! ایرانی اسلامی و خدادوست و خداباور! لطفا شخصیت‌هایی مثل مرحوم دعایی را به یاد آوردید و او را فراموش نکنید! صدای آه و فغان‌ها را بشنوید و نگذارید آهی به آسمان برود که همه چیز را در لحظه‌ای با خود ببرد. که به قول سعدی علیه الرحمه: زورمندی مکن بر اهل زمین/ تا دعایی بر آسمان نرود... به هم بر مکن تا توانی دلی/ که آهی جهانی به هم برکند.